

تلایش در مسیر معرفت پیش



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۴۰۱ دی ماه

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۰۶۴۶۳-۰۲۱

« تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است برگزاری دانش و آموزش »

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم توزنده‌جانی، احمد رضا ذاکر زاده، امیر زرائدوز، جواد زنگنه قاسم‌آبادی، کورش شاه‌منصوریان، علیرضا عبدی، امیر محمودیان
اقتصاد	مائده حسنی، علیرضا رضایی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سجاد غلام‌پور سیوکی، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان، سید محمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، زینب آذری، آزیتا بیدقی، فاطمه صفری، شهریار عبدالله، نگار غلامی
عربی زبان قرآن	درویشعلی ابراهیمی، بهروز حیدری‌کی، مرتضی کاظم‌شیرودی، محمدعلی کاظمی نصر‌آبادی، علی محسن‌زاده، سید محمدعلی مرتضوی، خالد مشیرپناهی، سیده مهیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، ملیحه گرجی، آزاده میرزاچی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	سیا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حسید رضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهرا قموشی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سید علیرضا احمدی، سید علیرضا علوفی	یاسین مهدیان، سید علیرضا علوفیان، امیرحسین واحدی	فریبا رووفی
جامعه‌شناسی	فاطمه صفری	فاطمه صفری	سحر محمدی	زهرا قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ	سید علیرضا علوفیان	سید علیرضا علوفیان	زهرا دامیار	خدیجه
جغرافیا	سید علیرضا علوفیان	سید علیرضا علوفیان	زهرا دامیار	جنت‌علی‌پور
فلسفه و منطق	سیا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد، سوگند بیگاری	زهرا قموشی
روان‌شناسی	مهرسا عفتی	مهرسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهرا دامیار
گروه مستندسازی	مدیر؛ محبی اصغری، مسئول دفترچه؛ زهرا قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



$$\begin{aligned} x = 0 \Rightarrow \Delta < 0 \Rightarrow (-2)^2 - 4(-1)(a+1) < 0 \\ \Rightarrow 4 + 4a + 4 < 0 \Rightarrow a < -2 \end{aligned}$$

توجه کنید که اگر معادله $(a+1)x^2 - 2x - 1 = 0$, ریشه مضاعف $x = -1$ داشته باشد (چون ریشه مخرج کسر است) این ریشه قابل قبول نخواهد بود:

$$(a+1)x^2 - 2x - 1 = 0 \xrightarrow{a=-2} -x^2 - 2x - 1 = 0$$

$$\Rightarrow -(x+1)^2 = 0 \Rightarrow x = -1$$

پس برای آن که معادله اصلی فقط یک ریشه داشته باشد، باید $a \leq -2$ باشد.

(ریاضی و آمار (ا)، معادله درجه دو، صفحه های ۲۷ تا ۳۸)

(محمد ابراهیم توزنده چانی)

۵- گزینه «۴»

با توجه بهتابع بودن رابطه f داریم:

$$(-1, a^2 + 3a) = (-1, 4) \Rightarrow a^2 + 3a = 4$$

$$\Rightarrow a^2 + 3a - 4 = 0 \Rightarrow \begin{cases} a = 1 \\ a = -4 \end{cases}$$

$a = 1 \Rightarrow f = \{(-1, 4), (-1, 5), (4, 4)\}$

$a = -4 \Rightarrow f = \{(-1, 4), (4, 0), (4, 4)\}$

بنابراین هیچ مقداری وجود ندارد.

(ریاضی و آمار (ا)، تابع، صفحه های ۳۶ تا ۳۹)

(امیر محمودیان)

۶- گزینه «۲»

تابع خطی $f(x) = mx + h$ را به صورت $f(x) = mx + h$ در نظر می کیریم.

$$\left. \begin{array}{l} f(a) = a + 2 \Rightarrow a + 2 = am + h \\ f(a+1) = a \Rightarrow a = (a+1)m + h \Rightarrow a = am + m + h \end{array} \right\} \Rightarrow$$

$$2 = -m \Rightarrow m = -2 \Rightarrow f(x) = -2x + h$$

حال نقطه سوم را در تابع جایگذاری می کنیم:

$$f(a+4) = -5 \Rightarrow -5 = -2(a+4) + h \Rightarrow -5 = -2a - 8 + h$$

$$\Rightarrow -2a + h = 3 \quad (I)$$

از طرفی با جایگذاری مجدد نقطه اول و داشتن $m = -2$ داریم:

$$f(a) = a + 2 \Rightarrow a + 2 = -2a + h \Rightarrow 3a - h = -2 \quad (II)$$

دو رابطه (I)، (II) را نوشته و دستگاه را حل می کنیم:

$$\left. \begin{array}{l} -2a + h = 3 \\ 3a - h = -2 \end{array} \right\} \xrightarrow{\text{جایگذاری}} \begin{array}{l} a = 1 \\ h = 5 \end{array}$$

بنابراین تابع $f(x)$ به صورت $f(x) = -2x + 5$ است.

$$f(-2) = -2 \times (-2) + 5 = 9$$

(ریاضی و آمار (ا)، تابع، صفحه های ۵۶ تا ۶۲)

(سامانه اسپهوریان)

۷- گزینه «۴»

$P(x) = R(x) - C(x)$ باید $= 6000$ باشد.

$$P(100) = 100 \times 120 - C(100) = 12000 - (2000 + 100a) = 6000$$

$$\Rightarrow 10000 - 100a = 6000 \Rightarrow -100a = -4000$$

$$\Rightarrow a = \frac{-4000}{-100} = 40$$

(ریاضی و آمار (ا)، معادله درجه دو، صفحه های ۲۹ تا ۳۱)

ریاضی و آمار (۱) و (۲)

۱- گزینه «۲»

(محمد بعیرابی)

مقدار آماره از نمونه ای به نمونه دیگر می تواند متغیر باشد و از آنجایی که مقدار پارامتر جامعه همواره ثابت است، پس این دو مقدار می توانند مساوی باشند یا یکی از دیگری بزرگتر باشد. پس مقایسه آنها به طور کلی نادرست است.

(ریاضی و آمار (ا)، کار با داده های آماری، صفحه های ۷۹ و ۱۰)

۲- گزینه «۲»

(پوادزگنه قاسم آبادی)

$x = 8$ ریشه مضاعف معادله است.

$$\frac{-4}{2a} = \frac{-4}{2(m-2)} = 8 \Rightarrow m-2 = -\frac{1}{4}$$

$$\Rightarrow m = 2 - \frac{1}{4} = \frac{7}{4}$$

$$\Rightarrow m^2 = \frac{49}{16}$$

(ریاضی و آمار (ا)، معادله درجه دو، صفحه های ۲۷ تا ۳۲)

۳- گزینه «۲»

با مخرج مشترک گیری از معادله داده شده، داریم:

$$\frac{x-1}{x+1} + \frac{x+3}{2x-3} = 2$$

$$\Rightarrow \frac{(x-1)(2x-3) + (x+3)(x+1) - 2(x+1)(2x-3)}{(x+1)(2x-3)} = 0$$

$$\Rightarrow \frac{2x^2 - 3x - 2x + 3 + x^2 + 4x + 3 - 2(2x^2 - 3x + 2x - 3)}{(x+1)(2x-3)} = 0$$

$$\Rightarrow 3x^2 - x + 6 - 4x^2 + 6x - 4x + 6 = 0$$

$$\Rightarrow -x^2 + x + 12 = 0$$

$$\Rightarrow x^2 - x - 12 = 0 \Rightarrow (x+3)(x-4) = 0$$

$$\left. \begin{array}{l} x = -3 \\ x = 4 \end{array} \right\}$$

از آنجا که هر دو ریشه به دست آمده هیچ کدام از مخرج ها را صفر نمی کند

هر دو قابل قبول است. مجموع ریشه های به دست آمده برابر $1 - 3 = -2$ است.

(ریاضی و آمار (ا)، معادله درجه دو، صفحه های ۳۳ تا ۳۸)

۴- گزینه «۳»

(کورش شاهمنوریان)

ابتدا با شرط $x+1 \neq 0$, طرفین وسطین می کنیم:

$$ax^3 + 2x = 3x^2 - x^3 + 3x - x^2$$

$$\Rightarrow (a+1)x^3 - 2x^2 - x = x[(a+1)x^2 - 2x - 1] = 0$$

یک جواب معادله برابر $x = 0$ است. پس $(a+1)x^2 - 2x - 1 = 0$ نباید

جواب داشته باشد.



(سامان اسپرینگ)

«۱۱- گزینه ۲»

باید ضرایب x^3 و x^2 صفر شوند:

$$2a+1=0 \Rightarrow a=-\frac{1}{2}, b+2=0 \Rightarrow b=-2$$

ضریب x برابر ۱ است:

$$c+1=1 \Rightarrow c=0$$

$$f(a)+f(b)+f(c)=a+b+c=-\frac{1}{2}-2+0=-\frac{5}{2}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۵۲)

(اصدر، فنا ذکر ندارد)

«۱۲- گزینه ۲»

با توجه به نمودار، تابع f در فاصله $x \leq 2 \leq 0$ یک تابع ثابت است، اما مقدار تابع را در این فاصله نداریم. برای محاسبه مقدار تابع باید از معادله تابع بهازای $x \leq 0$ کمک بگیریم. در این فاصله با یک تابع خطی روبه‌رو هستیم که از نقطه $(-2, 0)$ و نقطه $(-1, -3)$ عبور می‌کند، پس:

$$\begin{cases} (-2, 0) \in f \\ (-3, -1) \in f \end{cases} \Rightarrow y = -\frac{0 - (-1)}{-2 - (-3)}(x - (-2))$$

$$\Rightarrow y = x + 2$$

مقدار تابع در $x = 0$ برابر مقدار تابع بهازای $x \leq 2 \leq 0$ است، پس $f(0) = 2$

همچنین برای محاسبه $f(4)$ باید از معادله خط در محدوده $x > 2$ استفاده کنیم. در این فاصله با یک تابع خطی روبه‌رو هستیم.

$$\begin{cases} (2, 3) \in f \\ (\frac{5}{2}, 2) \in f \end{cases} \Rightarrow y - 3 = \frac{\frac{5}{2} - 2}{\frac{5}{2} - 2}(x - 2) \Rightarrow y - 3 = \frac{1}{2}(x - 2)$$

$$\Rightarrow y = -\frac{1}{2}x + 7 \Rightarrow f(4) = -1$$

$$f(2) + f(4) = 2 + (-1) = 1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۳)

(ابوالفضل بخاری)

«۱۳- گزینه ۳»

$$D_{f \times g} = D_f \cap D_g = \{2, 4, 6\}$$

$$D_{h-f} = D_h \cap D_f = \{2, 4, 6\}$$

$$f \times g = \{(2, 10), (4, 108), (6, -18)\}$$

$$h-f = \{(2, -1), (4, -6), (6, 11)\}$$

$$\frac{f \times g}{h-f} = \left\{ \left(2, \frac{10}{-1}\right), \left(4, \frac{108}{-6}\right), \left(6, \frac{-18}{11}\right) \right\}$$

$$R_{\frac{f \times g}{h-f}} = \left\{ \frac{10}{-1}, \frac{108}{-6}, \frac{-18}{11} \right\} = \left\{ -10, -18, \frac{-18}{11} \right\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۳)

(سامان اسپرینگ)

«۸- گزینه ۳»

چون روی خط $x = 2$ طول نقاط همیشه برابر ۲ است، طول رأس نیز برابر ۲ خواهد بود:

$$x_S = -\frac{\text{ضد ضریب}}{\text{ضد ضریب}} = 2 \Rightarrow -\frac{a}{2(-1)} = 2 \Rightarrow \frac{a}{2} = 2 \Rightarrow a = 4$$

پس سه‌می به صورت $y = -x^3 + 4x + 5$ بوده و باید گزینه‌ها در آن آزمایش شوند:

$$x = -1: y = -(-1)^3 + 4(-1) + 5 = -1 - 4 + 5 = 0 \Rightarrow (-1, 0)$$

$$x = 1: y = -(1)^3 + 4(1) + 5 = -1 + 4 + 5 = 8 \Rightarrow (1, 8)$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

(اصدر، فنا ذکر ندارد)

«۹- گزینه ۴»

اگر واریانس داده‌ها برابر صفر باشد، پس همه داده‌ها با هم برابند.

$$2a = a + 3 \Rightarrow a = 3$$

$$b = 2a \Rightarrow b = 6$$

$$b = 2c - 3b \Rightarrow 4b = 2c \Rightarrow c = 2b \Rightarrow c = 12$$

(a,b,c) : داده‌ها (۳, ۶, ۱۲)

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{3+6+12}{3} = 7$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۹۰)

(محمد بهیرایی)

«۱۰- گزینه ۱»

عدد روی نمودار را برای هر متغیر به دست می‌آوریم:

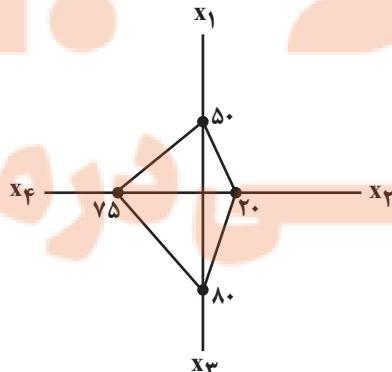
$$\frac{5}{10} = \frac{x_1}{100} \Rightarrow x_1 = 50$$

$$\frac{3}{15} = \frac{x_2}{100} \Rightarrow x_2 = 20$$

$$\frac{16}{20} = \frac{x_3}{100} \Rightarrow x_3 = 80$$

$$\frac{30}{40} = \frac{x_4}{100} \Rightarrow x_4 = 75$$

بنابراین نمودار آن به صورت زیر است:



(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷)



(علیرضا عبدی)

درآمد هر نفر در این خانواده به طور متوسط برابر است با:

$$\frac{۲۲۰۰۰۰}{۵} = ۴۴۰۰۰$$

چون خط فقر هر نفر $500,000$ است، در نتیجه هر نفر به میزان $60,000$ تومان تاخط فقر فاصله دارد. پس پنج نفر به میزان $5 \times 60,000 = 300,000$ تومان تا خط فقر فاصله دارند که باید دولت یارانه بپردازد.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

(علیرضا عبدی)

اگر تعداد شغل‌های ایجاد شده x باشد شاغلین جدید $x + 1500$ و تعداد بیکاران جدید $x - 600$ می‌شود.

$$\frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{شاغلین} + \text{بیکاران}} \times 100 = \text{نرخ بیکاران}$$

$$\frac{600 - x}{600 + 1500} \times 100 = 9 \Rightarrow \frac{600 - x}{21} = 9 \Rightarrow 600 - x = 9 \times 21$$

$$\Rightarrow 600 - x = 189 \Rightarrow x = 411$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

(امیر زراندوز)

چون کل گزاره ارزش درست دارد و در ابتدا جمله‌ای با ارزش درست مطرح شده است، پس باید به دنبال جمله‌ای درست باشیم. نمودار حبابی نوعی نمودار برآکنش نگاشت است که برای نمایش هم‌زمان سه متغیر به کار می‌رود.

(ریاضی و آمار (۱) و (۲)، نمایش داده‌ها، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱ و ۴۳ تا ۴۵

(امیر زراندوز)

ارزش $p \vee q$ نادرست است؛ پس هم p و هم q نادرست هستند ارزش $r \sim S$ به انتفای مقدم درست است؛ یعنی می‌توان گفت نادرست است؛ ولی در مورد S و $S \sim$ نمی‌توان اظهار نظر کرد لذا داریم:

$$[(p \wedge \sim r) \Rightarrow S] \equiv \left[\begin{array}{c} F \wedge T \\ \hline F \end{array} \right] \Rightarrow S \equiv T$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۳ تا ۱۱)

«۱۷- گزینه ۲»

(ابوالفضل بواری)

تابع (x) را مشخص می‌کنیم و سپس برابر با (x) قرار می‌دهیم:

$$f(x) = \frac{|3x|}{x} = \begin{cases} 3 & , x > 0 \\ -3 & , x < 0 \end{cases}$$

$$x > 0 \Rightarrow x^2 - 4x - 2 = 3 \Rightarrow x^2 - 4x - 5 = 0$$

$$\Rightarrow (x-5)(x+1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = 5 \\ x = -1 \end{cases}$$

$$x < 0 \Rightarrow x^2 - 4x - 2 = -3 \Rightarrow x^2 - 4x + 1 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = 16 - 4 = 12$$

$$x = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2} = \frac{4 \pm 2\sqrt{3}}{2} = \frac{2(2 \pm \sqrt{3})}{2} = 2 \pm \sqrt{3}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x = 2 + \sqrt{3} \\ x = 2 - \sqrt{3} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱) و (۲)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰ و ۳۴ تا ۴۳)

«۱۸- گزینه ۱»

(ابوالفضل بواری)

«۱۴- گزینه ۱»

در تابع داده شده، داریم:

$$f(x) = \left[\begin{array}{c} 3 \\ -x + 2 \end{array} \right]$$

$$f\left(-\frac{5}{2}\right) = \left[\begin{array}{c} 3 \\ -\frac{5}{2} + 2 \end{array} \right] = \left[\begin{array}{c} 3 \\ -\frac{1}{2} \end{array} \right] = \left[\begin{array}{c} 1 \\ \frac{1}{2} \end{array} \right] = 0$$

$$f\left(\frac{3}{4}\right) = \left[\begin{array}{c} 3 \\ \frac{3}{4} + 2 \end{array} \right] = \left[\begin{array}{c} 9 \\ \frac{21}{4} \end{array} \right] = \left[\begin{array}{c} 9 \\ \frac{21}{20} \end{array} \right] = 2$$

$$f\left(-\frac{5}{2}\right) - f\left(\frac{3}{4}\right) = 0 - 2 = -2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۱)

«۱۹- گزینه ۳»

(کورش شاهمنصوریان)

«۱۵- گزینه ۴»

$$D_{f+g} = D_f - g = \{-1, 2\}$$

$$f + g = \{(-1, 1), (2, a^2 - 1)\}$$

$$f - g = \{(-1, -2), (2, a^2 - 2a + 1)\}$$

بنابراین $\bullet = (f - g)(2)$ است که تابع یک عضوی h به صورت زیر است:

$$h = \{(-1, -4)\}$$

$$a^2 - 2a + 1 = 0 \Rightarrow (a-1)^2 = 0 \Rightarrow a = 1$$

«۱۶- گزینه ۱»

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۴۷)

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استدلال ریاضی، صفحه‌های ۳ تا ۱۱)



(مهری فیبانی)

۲۴- گزینه «۲»

برای محاسبه نرخ بیکاری ابتدا باید جمعیت فعل و جمعیت بیکار کشور را به دست آورد؛ در نتیجه خواهیم داشت:

$$\text{جمعیت افراد زیر ۱۵ سال} - \text{جمعیت کل} = \text{جمعیت افراد بالای ۱۵ سال}$$

$$= ۲,۶۴۰,۰۰۰ - ۸۴۰,۰۰۰ = ۱,۸۰۰,۰۰۰$$

$$\text{جمعیت غیرفعال} - \text{جمعیت افراد بالای ۱۵ سال} = \text{جمعیت فعل}$$

$$= ۱,۸۰۰,۰۰۰ - ۷۰۰,۰۰۰ = ۱,۱۰۰,۰۰۰$$

$$\text{جمعیت شاغل} - \text{جمعیت فعل} = \text{جمعیت بیکار}$$

$$= ۱,۱۰۰,۰۰۰ - ۸۸۰,۰۰۰ = ۲۲۰,۰۰۰$$

حال برای محاسبه نرخ بیکاری طبق فرمول داریم:

$$\frac{\text{درصد} \times ۱۰۰}{\text{جمعیت فعل}} = \frac{۲۲۰,۰۰۰}{۱,۱۰۰,۰۰۰} = ۲۰$$

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

(مهری فیبانی)

۲۵- گزینه «۱»

الف) نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۱۵ درصد است؛ بنابراین مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده در مرحله اول برابر است با:

$$\text{تومان } \frac{۱۵}{۱۰۰} = ۳۶۰$$

ب) برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده در مرحله سوم باید طبق فرمول زیر عمل کنیم:

مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده در مرحله سوم

= مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله سوم

- مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله دوم -

$$\text{تومان } ۱,۱۱۰ = ۱,۱۱۰ - \frac{۱۵}{۱۰۰} \times (۲,۰۴۰ - \frac{۱۵}{۱۰۰} \times ۲,۰۰۰)$$

ج) دقت کنید همواره مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده با «مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر» برابر است؛ بنابراین، خواهیم داشت:

= مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده

مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر (مرحله سوم)

$$\text{تومان } \frac{۱۵}{۱۰۰} = ۲,۰۴۰$$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیست؛ صفحه ۶۳)

(مهری فیبانی)

۲۶- گزینه «۴»

الف) در سطح قیمت ۱۵۰۰ ریال که بهمازای آن مقدار عرضه و تقاضا با هم برابرند، بازار به تعادل می‌رسد و در آن کمبود یا مازاد مشاهده نمی‌شود. بنابراین در ردیف ۴ برابر میان عرضه و تقاضا را داریم که به آن «قیمت و مقدار تعادلی» می‌گویند.

در سطوح قیمت‌های پایین‌تر از ۱۵۰۰ ریال (ردیف‌های ۱، ۲ و ۳) در بازار با مازاد تقاضا (کمبود عرضه) رویه‌رو می‌شویم.

در نتیجه، گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد. این گروه، برای خرید کالا حاضرند مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود.

اقتصاد**۲۱- گزینه «۴»**

(سارا شریفی)

$$\text{ریال } ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = ۱۴۴,۰۰۰,۰۰۰ = \text{اجاره سالانه بنگاه}$$

$$= \text{حقوق سالانه همه کارکنان} = ۸۵۰,۰۰۰ \times ۱۵ \times ۱۲$$

$$\text{ریال } ۱۵۳,۰۰۰,۰۰۰$$

هزینه استهلاک سالانه ماشین‌های تولیدی

$$\text{ریال } \frac{۳۰}{۱۰۰} = \frac{۴۵,۹۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = ۱۵۳,۰۰۰,۰۰۰$$

$$= ۱۴۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۵۳,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{ریال } ۴۵,۹۰۰,۰۰۰ + ۱۸۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۲۷,۹۰۰,۰۰۰$$

هزینه‌های سالانه بنگاه - درآمد سالانه بنگاه = سود سالانه بنگاه
هزینه‌های سالانه بنگاه + سود سالانه بنگاه = درآمد سالانه بنگاه \Rightarrow
 $۲,۱۱۲,۱۰۰,۰۰۰ + ۵۲۷,۹۰۰,۰۰۰ = ۲,۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰$

$$\text{ریال } ۲,۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(اقتصاد، کسب و کار و آفرینش، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۲۲- گزینه «۲»

(الف)

$$۲۰۲۱ = \text{تولید ناخالص داخلی اسمی در سال } (۹۰۰ \times ۱۵۰) + (۳۵۰۰ \times ۲۲۰)$$

$$= ۱۳۵,۰۰۰ + ۷۷۰,۰۰۰ = ۹۰۵,۰۰۰$$

(ب)

$$۲۰۲۰ = \text{تولید ناخالص داخلی واقعی در سال } (۸۲۰ \times ۱۲۰) + (۲۵۰۰ \times ۱۵۰)$$

$$= ۹۸,۴۰۰ + ۳۷۵,۰۰۰ = ۴۷۳,۴۰۰$$

$$۲۰۲۱ = \text{تولید ناخالص داخلی واقعی در سال } (۹۰۰ \times ۱۲۰) + (۳۵۰۰ \times ۱۵۰)$$

$$= ۱۰۸,۰۰۰ + ۵۲۵,۰۰۰ = ۶۳۳,۰۰۰$$

$$\text{درصد } \frac{۳۳}{۴۷۳,۴۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{۶۳۳,۰۰۰ - ۴۷۳,۴۰۰}{۴۷۳,۴۰۰} = \text{نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سال } ۲۰۲۱$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۲)

(مائدهه سنی)

۲۳- گزینه «۲»**بررسی موارد صورت سؤال:**

الف) درست است.

ب) غلط است؛ دوران پهلوی، نظام نوینی در مالیات‌ستانی و بودجه‌بندی کشور پدید آمد و برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی بهبود یافت.

پ) غلط است؛ از آنجا که معمولاً دست این افراد در روستاهای محله‌های کوچک زود رو می‌شود، ترجیح می‌دهند به شهرهای بزرگ کوچ کنند تا آسان‌تر به فعالیت‌های خود بپردازند.

ت) غلط است؛ دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاهای افزایش دهد؛ دولت به دوش می‌تواند عرضه را افزایش دهد؛ روش اول آن است که ظرفیت‌های تولیدی را افزایش دهد؛ اما از آنجا که این روش معمولاً زمان بر است؛ دولتها ترجیح می‌دهند از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند.

ث) غلط است؛ عبارت «سراغ کارهای کمارزش آنی رفتن، به جای صبر در تحصیل، یادگیری و بهره‌مندی از منافع آتی» به عامل «بی‌صریزی زیاد» از عوامل رفتارهای غیرمنطقی اشاره دارد.

(اقتصاد، تربیتی، صفحه‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)



(علیرضا رضابی)

۲۸- گزینه «۴»

الف) بررسی قسمت «الف» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است؛ با توجه به منحنی مرز امکانات تولید، با فرض ثابت ماندن منابع کشور، تولید در نقطه **B** غیرقابل دستیابی است.

گزینه «۲»: صحیح است.

گزینه «۳»: صحیح است.

گزینه «۴»: نادرست است؛ در نقطه **C** میزان تولید کفش، برابر با 1000 جفت است و در نقطه **E** میزان تولید کفش، برابر با 500 جفت است، در نتیجه میزان تولید کفش در نقطه **C**، 500 جفت بیشتر از میزان تولید این کالا در نقطه **E** است.

ب) در نقطه **E** میزان تولید کفش، برابر با 500 جفت، و میزان تولید کیف برابر با 1000 عدد است. در نقطه **D** میزان تولید کفش، برابر با 2500 جفت، و میزان تولید کیف برابر با 600 عدد است. با حرکت از نقطه **E** به نقطه **D**، میزان تولید کفش 2000 جفت افزایش می‌یابد و میزان تولید کیف عدد کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه قیمت هر عدد کیف $1/5$ میلیون تومان است، می‌توان گفت: هزینه فرصت تولید 2000 جفت بیشتر کفش، برابر با 400 عدد یا 600 میلیون تومان ($= 600 \times 400 = 240,000$) کیف است که از تولید آن صرف نظر کرده‌ایم.

ج) نقطه **F**، زیر منحنی مرز امکانات تولید است و تولید در این نقطه «ناکارا» است. حال اگر شرکت تعدادی کارگر را تنها برای تولید کفش بیشتر استخدام کند، در این صورت از نقطه **F**، به نقطه **D** جایه‌جا می‌شویم.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۳)

(سara شریفی)

۲۹- گزینه «۴»

الف) اقتصاد مقاومتی با انتکای به قابلیتها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات متوقف نمی‌شود.

ب) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (عمل کاهش تقاضا این است که مصرف کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا، روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند).

ج) حقوق و عوارض گمرکی در واقع «مالیات هر کشور بر صادرات و واردات کالاهای مختلف است». این دسته از مالیات‌ها ممکن است براساس «قیمت و ارزش کالاهای یا بر اساس ویژگی‌ها و مشخصات آنها (مانند حجم، وزن و ...)» تعیین و دریافت شوند.

د) ۲۳ - گات - سازمان دائمی تجارت جهانی ها بیکاری ساختاری: بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطبیق مهارت‌هast است. مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.

و) افزایش ظرفیت تولید ناشی از سرمایه‌گذاری بیشتر یا به کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر، مثالی برای «رشد» است؛ زیرا این واژه، صرفاً به معنای افزایش تولید «است». بنابراین، یک «مفهوم کمی» است.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۶۷، ۷۴، ۶۲، ۸۷، ۱۱۳ و ۱۱۷)

ب) در سطح قیمت 1100 ریال، تقاضا کنندگان 7000 کیلو از کالا را تقاضا دارند در حالی که تولید کنندگان تنها 4000 کیلو از کالا را تولید می‌کنند؛ در نتیجه حداکثر پرداختی مصرف کنندگان در سطح قیمت 1100 ریال، برابر خواهد بود با:

$$\text{ریال} = 4,400,000 \times 1,100 = 4,400,000$$

نکته: «در قیمت‌های به غیر از قیمت تعادلی، برای محاسبه حداکثر پرداختی مصرف کنندگان یا حداکثر درآمد تولید کنندگان، باید قیمت مدنظر را در مقدار عرضه و تقاضا، هر کدام که کمتر بود، ضرب کنیم.»

ج) میزان مازاد عرضه در قیمت 2700 ریال، $10,000$ کیلو است $(= 10,000 - 5,500 = 4,500)$ و میزان تقاضای تعادلی، 5500 کیلو است که اختلاف این دو برابر است با:

$$\text{کیلو} = 4,500 - 5,500 = 4,000$$

(اقتصاد، بازار پیشست و پکونه عمل می‌کند، صفحه ۵۳)

۲۷- گزینه «۳»

الف) سازماندهنده: منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند. نوآور: ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.

پرانگیزه: نظم، انصباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

ب) بررسی قسمت «ب» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صحیح است.

گزینه «۲»: نادرست است؛ در بازار کالاهای خدمات، خانوارها خردمند و بنگاه‌ها فروشنده‌اند.

گزینه «۳»: نادرست است؛ تبادل عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی) در بازار عوامل تولید نشان داده می‌شود.

گزینه «۴»: صحیح است.

ج) در سطوح دستمزد بالای دستمزد تعادلی بازار دارای کمبود تقاضا (مازاد عرضه) است. تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایل به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند.

در سطوح دستمزد پایین دستمزد تعادلی بازار با مازاد تقاضا (کمبود عرضه) رو به رو است. در این سطح از دستمزد به دلیل پایین بودن آن، مؤسسات و بنگاه‌ها تمایل زیادی به استخدام نیروی کار دارند ولی نیروی کار حاضر به استخدام با این سطح از دستمزد نیست.

د) در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود.

ه) وقتی تولید «ناکارا» باشد، این امکان وجود دارد که «حداقل» بیشتر از یک کالا تولید شود، بدون آنکه از تولید کالاهای دیگر کاسته شود و به طور کلی می‌توان گفت بهتر است یک کشور «بر روی مرز امکانات تولید» تولید کند.

و) در کشورهایی که سازوکار مالیات بر ارزش افزوده برقرار است، کسب و کارها، منبع مالیات را از فروش خودشان جمع آوری کرده و آن را از طریق خرید از دیگر کسب و کارها پرداخت می‌کنند.

اساس و مبنای مالیات بر دارایی، ثروت مؤدى (پرداخت کننده مالیات) است.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶ و ۶۷)



روان‌شناسی

(همیرضا توکلی)

۳۱- گزینه «۲» تشریف سایر عبارات:

گزینه «۱»: فرضیه تحت تأثیر سایر دانش‌ها است.
 گزینه «۳»: محیط بر فرض مقدم است و فرض با توجه به محیط صحبت‌سنجی می‌شود.
 گزینه «۴»: دانشمندان با توجه به دانش و تجربه‌های قبلی و همچنین با استفاده از قوه تخلیشان سعی می‌کنند پاسخ‌های اولیه و تا حد ممکن سنجیده‌های به مسئله‌های علمی بدهند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش موردن مطالعه، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

(مهدی پاحدی)

۳۲- گزینه «۲»

لازمه علمی بودن یک روش، داشتن دو ویژگی تعریف عملیاتی و تکارپذیری است. در تعریف عملیاتی، لازم است تا هر متغیر به صورتی شفاف و دقیق تعریف شود تا همه افراد با مطالعه آن به برداشتی یکسان یا تقریباً یکسان از آن متغیر برسند. همچنین، هنگامی که در پاسخ به سؤال چیستی پدیده‌های روان‌شناسی نتوانیم به راحتی به پاسخی واحد برسیم (توصیف و تعریف پدیده دشوار باشد)، دستیابی به «تعریف عملیاتی» با دشواری مواجه است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش موردن مطالعه، صفحه ۱۹)

(فرهاد علی‌نژاد)

۳۳- گزینه «۳»

همیشه این احتمال هست که برای یک موضوع یا پدیده، تبیین‌های متفاوت و در عین حال صحیح وجود داشته باشد (رد گزینه‌های ۱ و ۲؛ مثلاً چند نوع تبیین تجزیی مختلف (رد گزینه «۴») یا تبیین عقلی، دینی و ... بنابراین، نباید با دست‌یافتن به یک تبیین خاص، تبیین‌های محتمل یا صحیح دیگر را رد کنیم.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش موردن مطالعه، صفحه ۱۵)

(همیرضا توکلی)

۳۴- گزینه «۳» تشریف گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ادراک بو نیاز به نشان دادن در عمل ندارد.
 گزینه «۲»: آمدن بوی ماهی می‌تواند ناشی از عوامل دیگر باشد و شاید واقعی باشد و لزوماً سیستم ادراکی در اشتباہ نیست.
 گزینه «۳»: احساس با ادراک تفاوت دارد و با وجود احساس، لزوماً ادراک رخ نمی‌دهد.
 گزینه «۴»: فاصله احساس و ادراک بسیار کم است.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

(همیرضا توکلی)

۳۵- گزینه «۱»

- «میزان انحراف» و «راحل‌های غیرمعمول» را معادل با راحلهای غیرمنطقی در نظر بگیرید که از ناتوانی در شناخت مسئله ناشی می‌شوند.
 - سردرگمی مربوط به شناخت هدف در مسئله است نه توانمندی‌ها.
 - محدودیت توانایی‌ها لزوماً باعث نقص شناخت مسئله نمی‌شود.

گزاره دوم:

- وقتی فردی در حال حل مسئله است، کاملاً درگیر موضوع است و به آنچه انجام می‌دهد آگاهی کامل دارد.

(روان‌شناسی، تکلیر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

(علیرضا رضایی)

۳۰- گزینه «۱»

الف) مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ می‌باشد. از آن جا که مجموع سهم دهک‌های معلوم معادل ۹۰ درصد $90 = \frac{90}{100} \times 100$ می‌باشد، بنابراین سهم دهک مجهول یعنی سهم دهک ششم برابر با ۱۰ درصد $(10 = \frac{10}{100} \times 100)$ است.

برای شکل‌گیری شاخص دهک‌ها، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. بنابراین جمعیت افراد در هر دهک برابر خواهد بود با:

$$\text{میلیون نفر} = \frac{3}{10} = \text{جمعیت افراد هر دهک}$$

$$\begin{aligned} \text{میلیون دلار} &= 21,600 \times \frac{10}{100} = \text{سهم دهک ششم از درآمد ملی کشور} \\ \text{سهم هر یک از افراد دهک ششم از درآمد ملی} &= \text{درآمد سرانه افراد دهک ششم} \\ &= \frac{21,600}{3} = 720 \end{aligned}$$

ب) اگر بخواهیم شاخص دهک‌ها در کشور کوپا برابر با عدد $\frac{4}{5}$ شود، سهم دهک دهم باید برابر با $\frac{13}{5}$ درصد شود:

$$\text{سهم دهک دهم} = \frac{\frac{4}{5}}{\frac{3}{4}} = \frac{4}{5}$$

$$\text{درصد} = \frac{13}{5} = \text{سهم دهک دهم}$$

در صورت سؤال گفته شده که وضعیت توزیع درآمد در کشور کوپا مناسب‌تر از کشور A شود، در نتیجه سهم دهک دهم که اکنون برابر با ۱۸ درصد است، باید بیشتر از $\frac{4}{5}$ درصد ($18 - \frac{13}{5} = \frac{4}{5}$) کاهش باید تا کمتر از $\frac{13}{5}$ درصد شود و در نتیجه شاخص دهک‌ها کوچک‌تر از $\frac{4}{5}$ شود.

ج) بررسی قسمت «ج» گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است: $35 = 35$ درصد درآمد ملی این کشور $(18 + 17 = 35)$ در اختیار ۶ میلیون نفر پردرآمد جامعه (یا همان ۲۰ درصد پردرآمد جامعه یا دهک‌های دهم و نهم) قرار دارد.

گزینه «۲»: نادرست است: $28 = 28$ درصد درآمد ملی این کشور $(3 + 4 + 5 + 7 + 9 = 28)$ در اختیار ۵۰ درصد کم درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم) قرار دارد.

گزینه «۳»: صحیح است. $19 = 19$ درصد درآمد ملی این کشور $(3 + 4 + 5 + 7 = 19)$ در اختیار ۴۰ درصد کم درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم و چهارم) قرار دارد.

۴) صحیح است. $50 = 50$ درصد درآمد ملی این کشور $(18 + 17 + 15 = 50)$ در اختیار ۳۰ درصد پردرآمد جامعه (دهک‌های هشتم، نهم و دهم) قرار دارد.
 (اقتباس، رش و پیشرفت انتسابی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴)



اقتصاد

(علیرضا رضابی)

۴۱- گزینه «۱»

ارزش هر ترکیب ارائه شده در گزینه‌ها باید برابر با بودجه فرد باشد، در نتیجه خواهیم داشت:

گزینه «۱»:

$$(1 \times 10,000) + (5 \times 5,000) = 10,000 + 25,000$$

(برابر با بودجه فرد است). تومان

گزینه «۲»:

$$(2 \times 10,000) + (3 \times 5,000) = 20,000 + 15,000$$

(برابر با بودجه فرد است). تومان

گزینه «۳»:

$$(4 \times 10,000) + (1 \times 5,000) = 40,000 + 5,000$$

(برابر با بودجه فرد نیست). تومان

گزینه «۴»:

$$(1 \times 10,000) + (3 \times 5,000) = 10,000 + 15,000$$

(برابر با بودجه فرد نیست). تومان

ب) عوارض گمرکی خدماتی که با نام تعریفهای گمرکی نیز شناخته شوند، انواع عوارض درج شده در قبضه‌های شهرداری، مالیات بر مصرف و مالیات بر ارزش افزوده همگی جزء مالیات غیرمستقیم هستند.

ج) دولت خریداری مهم در بازارهای عوامل تولید و نیز بازار کالا و خدمات است و البته با دریافت مالیات از شرکت‌ها و خانواده‌ها و پرداخت یارانه به آن‌ها نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌کند.

د) سطح زمین و هوای بالای آن در دستبندی عوامل تولید جزو منابع طبیعی هستند. منابع طبیعی با نام «زمین» نیز در اقتصاد شناخته می‌شود.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰)

(کتاب آبی)

۴۲- گزینه «۲»

نرخ رشد تولید

$$\frac{\text{تولیدناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولیدناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولیدناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$

نرخ رشد تولید اسمی در سال دوم نسبت به سال اول

$$\frac{x - 350}{350} \times 100 = 20 \Rightarrow x = 420$$

نرخ رشد تولید واقعی در سال سوم نسبت به سال دوم

$$\frac{y - 380}{380} \times 100 = 10 \Rightarrow y = 418$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

(مهری باهری)

۳۶- گزینه «۴»

در روش حل مسئله بارش مغزی، فرد راه حل‌های احتمالی که فکر می‌کند در پاسخ به مسئله او می‌تواند درست باشد، بررسی می‌کند تا در نهایت از میان آن‌ها یکی را انتخاب کند. پرسیدن راههای موفقیت از همکلاسی‌های خود، مصدقی برای روش بارش مغزی است. همچنین زمانی که الگوی موفقیت مشخص شده (برای مثال الگوی لباس، قطعه تولیدشده یا الگوی موفقیت در کنکور) پس از شناسایی تکرار شود، روش شروع از آخر مورد استفاده بوده است.

و در نهایت تقویت نیمی از دروس برای قبولی رشتۀ مدنظر، مصدقی برای کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب است، زیرا محقق شدن تقویت نیمی از دروس به معنای محقق شدن نیمی از هدف نیست و قبولی زمانی محقق می‌شود که تمامی دروس تقویت شوند. بر عکس اگر هدف تقویت رتبه با تقویت دروس بود، تقویت نیمی از دروس مصدق خرد کردن بود؛ زیرا با تقویت نیمی از دروس بخشی از هدف محقق می‌شد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) هل مسئله، صفحه‌های ۱۲۹ تا ۱۳۶)

(فرهاد علی‌نژاد)

۳۷- گزینه «۲»

آماده‌سازی عبارت است از تأثیر ارائه پیشین محرک (یا محرک شبیه به آن) بر دریافت بعدی ما از همان محرک.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۰، ۷۵ و ۷۷)

(فرهاد علی‌نژاد)

۳۸- گزینه «۱»

فرض کنید فردی سیگار می‌کشد (رفتار) و می‌داند که سیگار برای سلامتی زیان‌آور است (باور و شناخت). این فرد برای رفع ناهماهنگی شناختی و ادامه سیگار کشیدن ممکن است به این استدلال برسد که سیگار برای سلامتی خیلی هم زیانی ندارد. این استدلال عقلانی نیست، اما امکان ادامه سیگار کشیدن را برای او فراهم می‌کند و در عین حال، ناهماهنگی شناختی او را نیز رفع می‌کند.

(روان‌شناسی، اکنیزه و نکرش، صفحه‌های ۱۶۹ تا ۱۷۲)

(مهری باهری)

۳۹- گزینه «۳»

گیرندهای حسی سارا وجود محرکی روی دستش را تشخیص داده بودند زیرا سارا گزیری را روی دست خود احساس کرده بود، پس سارا به مرحله احساس رسیده بود. همچنین سارا نسبت به محرک احساس شده توجه دارد؛ زیرا به آن معنا و تفسیر شخصی خود را داده، پس محرک سوسک را فرآیند توجه سارا انتخاب کرده و وارد ادراک سارا شده است. تفسیر و معنایی که سارا به محرک احساس شده داده (گرمای هوای انباری) مغایر با احساسی است که او داشته، پس سارا دچار خطای ادراکی شده است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۰، ۷۱ و ۷۲)

(موسی عفتی)

۴۰- گزینه «۲»

- رشد سریع شناختی در دوره نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد.

- سرعت تفکر در دوره نوجوانی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظه آن‌ها نگه داشته می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی، صفحه‌های ۵۵، ۵۶ و ۶۱)



(علیرضا رضایی)

«۴۶- گزینه «۳»

الف) هر کشوری که بتواند کالاهای را با هزینهٔ فرست کمتری تولید کند، در تولید آن کالا مزیت مطلق دارد، بنابراین کشور نیپال در تولید لامپ و کشور لائوس در تولید بطری نوشابه مزیت مطلق دارند.

ب) کامبوج در تولید بطری نوشابه و لامپ مزیت مطلق ندارد، اما در کشور خود در تولید بطری نوشابه نسبت به لامپ مزیت نسبی دارد. بنابراین باید در تولید بطری نوشابه متمرکز شود و لامپ مورد نیاز خود را از کشور نیپال وارد کند. به عبارت دیگر، هزینهٔ فرست تولید بطری نوشابه در کشور کامبوج، کمتر از هزینهٔ فرست تولید لامپ است و همین امر باعث می‌شود تا کامبوج منابع کمیاب خود را بیشتر به تولید بطری نوشابه، اختصاص دهد.

(اقتصاد، تهارت بین‌الملل، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

(مهدی فیاضی)

«۴۷- گزینه «۴»

(الف)

$$= \text{کمبود عرضه در قیمت } 3500 \text{ ریال}$$

مقدار عرضه در قیمت ۳۵۰۰ ریال - مقدار تقاضا در قیمت ۳۵۰۰ ریال

$$= 25 - 5 = 20 \text{ کیلو}$$

$$= \text{مازاد عرضه در قیمت } 6500 \text{ ریال}$$

مقدار تقاضا در قیمت ۶۵۰۰ ریال - مقدار عرضه در قیمت ۶۵۰۰ ریال

$$= 20 - 10 = 10 \text{ کیلو}$$

ب) در سطح قیمت ۷۵۰۰ ریال، تولیدکنندگان ۲۵ کیلو از کالا را تولید می‌کنند؛ در حالی که تقاضاکنندگان تنها ۵ کیلو از کالا را تقاضاً دارند؛ در

نتیجهٔ خواهیم داشت:

حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت ۷۵۰۰ ریال:

$$7500 \times 5 = 37500 \text{ ریال}$$

ج) در نقطهٔ تعادلی یعنی سطح قیمت ۵۵۰۰ ریال و مقدار ۱۵ کیلو تولیدکننده بیشترین دریافتی را دارد.

$$\text{ریال } 5500 \times 15 = 82500$$

د) تنها در سطح قیمت تعادلی، فاصلهٔ بین عرضه و تقاضاً از بین می‌رود و رفتار تولیدکننده و مصرفکننده همانگ می‌شود و قیمت اگر بالاتر از

قیمت تعادلی باشد باید کاهش یابد و اگر پایین‌تر باشد باید افزایش یابد.

بنابراین همهٔ گزینه‌ها در این بخش از آنچه‌ای که بازار را به تعادل می‌رسانند

صحیح می‌باشند.

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه ۵۳)

(علیرضا رضایی)

سطح عمومی قیمت‌ها در انتهای یک ماه با سطح عمومی قیمت‌ها در ابتدای ماه بعدی برابر است. در نتیجهٔ خواهیم داشت:

«۴۳- گزینه «۲»

$\frac{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای فروردین} - \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین}}{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای فروردین}} = \frac{\text{توم فروردین ماه}}{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای فروردین}}$

$$\times 100 = \frac{4,250,000 - \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین}}{4,250,000} \times 100$$

$$\frac{15 \times 4,250,000}{100} - 4,250,000 = 4,250,000$$

$$4,250,000 - \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین} = 4,250,000$$

$$\Rightarrow 4,250,000 = \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین} \Rightarrow$$

$$\text{تومان } 4,887,500 = \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین} \Rightarrow$$

$$\text{هزینه سبد بازار در ابتدای اردیبهشت} = \text{هزینه سبد بازار در انتهای فروردین}$$

$$\Rightarrow \text{تومان } 4,887,500$$

(ب)

هزینه سبد بازار در انتهای اردیبهشت‌ماه = هزینه سبد بازار در ابتدای خردامه

$$\frac{1}{2} \times 4,250,000 = 2,125,000 \text{ تومان}$$

$$\times 100 = \frac{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای خرداد} - \text{هزینه سبد بازار در انتهای خرداد}}{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای خرداد}} = \frac{\text{توم خردامه}}{\text{هزینه سبد بازار در ابتدای خرداد}}$$

$$\times 100 = \frac{2,125,000 - \text{هزینه سبد بازار در انتهای خرداد}}{2,125,000} \times 100$$

$$\frac{9 \times 2,125,000}{100} - 2,125,000 = 2,125,000$$

$$2,125,000 - \text{هزینه سبد بازار در انتهای خرداد} = 2,125,000$$

$$\Rightarrow \text{تومان } 2,316,250 = \text{هزینه سبد بازار در انتهای خرداد} \Rightarrow$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

«۴۴- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

الف) هر چه شاخص مربوط به توزیع درآمد، کوچک‌تر باشد، توزیع درآمد عادلانه‌تر و بالعکس هر چه عدد مربوط به شاخص توزیع درآمد بزرگ‌تر باشد، توزیع درآمد نعادلانه‌تر است.

بنابراین در سال ۱۳۸۷ که شاخص توزیع درآمد از همه کوچک‌تر (برابر با ۱۰) است عادلانه‌تر و در سال ۱۴۹۰ که این عدد بزرگ‌تر است (برابر با ۲۵) توزیع درآمد نعادلانه است.

ب) در سال ۱۳۸۱، شاخص مربوط به توزیع درآمد برابر با ۲۰ است، یعنی ده درصد ثروتمندان، بیست برابر ده درصد فقراء درآمد داشته‌اند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۴)

«۴۵- گزینه «۳»

(ماهنه هسنی)

الف) گاهی دولتها در جهت گسترش روابط اقتصادی‌شان با کشورهایی که دیدگاه‌های نزدیک سیاسی با یکدیگر دارند، پیمان‌های تجاری وضع می‌کنند و تعرفه‌ها را کاهش می‌دهند.

ب) در شرایط رکود، وجود منابع بیکار سبب می‌شود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد.

ج) درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) در ایران ۱۸/۱۶۶ دلار PPP است.

(اقتصاد، تکلیبی، صفحه‌های ۷۴، ۸۴، ۹۵ و ۱۲۵)



(عزیزالیاسی پور)

علوم و فنون ادبی (۱)**۵۱- گزینه «۲»**

موارد «پ» و «ت» صحیح نیستند.

(پ) قالب غزل هرچند در سبک خراسانی جزو قالب‌های عمدۀ نیست، اما در اواخر این دوره (قرن ششم) رشد می‌یابد و چندان هم بی‌رونق نیست.
 تا حدود نیمة دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است. حتی شعر سبک عراقی را هم نمی‌توان «کاملاً» مستقل از شعر دوره‌های قبل از خود دانست.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۳)

(مبتدی فرهادی)

۵۲- گزینه «۳»

سه مورد نادرست است.

(الف) شعر حکمی و اندرزی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری به وجود آمد، اما در دوره سلجوقیان به پختگی خود رسید.
 (ب) زبان پهلوی در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد و آن را «فارسی میانه» می‌نامند.
 (ه) اصل تفسیر طبری را «محمد بن جریر طبری» به زبان عربی نوشته است، اما عده‌ای از دانشمندان آن زمان این کتاب را به زبان فارسی برگردانند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۸۱ و ۸۲)

(سیدمحمد‌هاشمی)

۵۳- گزینه «۲»

در گزینه «۲»، مفاهیم به کاررفته، خیالی و انتزاعی است و این ویژگی، بیشتر در سبک هندی دیده می‌شود. علاوه بر آنکه کاربرد آرایه اسلوب معادله نیز در سبک خراسانی، بسیار نادر است.

بررسی گزینه‌های دیگر:
 گزینه «۱»: سادگی جملات و روای اوردن به پند و اندرز از ویژگی‌های سبک خراسانی است.

گزینه «۳»: سادگی کلام و تعبیرات حسی و ملموس از ویژگی‌های سبک خراسانی است.

گزینه «۴»: لحن حمامی و کاربرد واژگان کهن چون «خفتان»، از ویژگی‌های سبک خراسانی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

(یاسین مهریان)

۵۴- گزینه «۳»

بیت «ج»: جناس همسان: «که» اول: چه کسی؟، «که» دوم: حرف ربط / جناس ناهمسان: «جان» و «آن»: جناس ناهمسان اختلافی (عan - جان) بیت «د»: جناس همسان: «تیست» اول: وجود ندارد؛ «تیست» دوم: فعل استنادی [دوش]ها در این بیت، در معنای یکسانی به کار رفته‌اند و جناس تمام را به وجود نمی‌آورند. / جناس ناهمسان: «بر» و «بار»: جناس ناهمسان افزایشی، «هوش» و «دوش»: جناس ناهمسان اختلافی
بررسی ایات دیگر:

بیت «الف»: فاقد جناس همسان («شور»‌ها در معنای یکسان «خیزش، هیجان و جد» به کار رفته‌اند). / جناس ناهمسان: «زور» و «شور» و «سر»: جناس ناهمسان اختلافی

بیت «ب»: جناس همسان: «بهشت» اول: جنت، «بهشت» دوم: گذشت، رها کرد / فاقد جناس ناهمسان

(علوم و فنون ادبی (۲)، بربع لغظی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(سارا شریفی)

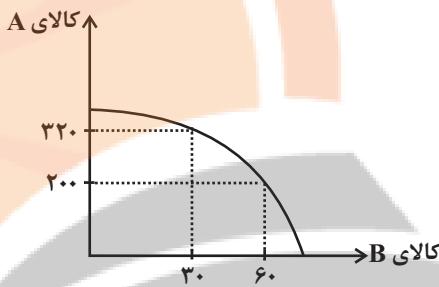
با افزایش تولید کالای A به اندازه ۱۲۰ تن ($۱۲۰ = ۲۰۰ - ۳۲۰$)، ۳۰ تن از تولید کالای B کم خواهد شد.

پس میزان هزینه فرصت تولید ۱۲۰ تن بیشتر کالای A، ۱۵ میلیون تومان کالای B است که از تولید آن صرف‌نظر شده است:

$۳۰ \times ۵۰۰ = ۱۵,۰۰۰$ هزار تومان = ۱۵ میلیون تومان ۳۰ تن از افزایش تولید کالای B به اندازه $۳۰ = ۳۰ - ۳۰$ تن (۱۲۰)، ۱۲۰ تن از تولید کالای A کم خواهد شد.

پس میزان هزینه فرصت تولید ۳۰ تن بیشتر کالای B، ۲۴ میلیون تومان کالای A است که از تولید آن صرف‌نظر شده است:

$۱۲۰ \times ۲۰۰ = ۲۴,۰۰۰$ هزار تومان = ۲۴ میلیون تومان



(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه ۳۹)

(مائره هسنی)

اگر کشوری «راه‌های تأمین کالاهای وارداتی یا بازارهای فروش کالاهای صادراتی خود را گوناگون کند و از وضعیت تک محصولی فاصله بگیرد و با خلق مزیت‌های جدید اقتصادی امکان تأمین بعضی نیازها را در داخل فراهم کند و به علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بیان توجهی بیشتر داشته باشد»، به وضعیت استقلال اقتصادی و استحکام اقتصادی نزدیک می‌شود.

(اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحه ۷۶)

(مهری فیبانی)

۵۰- گزینه «۴»**(الف) بررسی گزینه‌های نادرست:**

گزینه «۱»: این عامل سبب افزایش نرخ بیکاری خواهد شد نه کاهش آن!
 گزینه «۳»: همه کسانی که در غیر از میزنه تخصصی شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌شوند.

(ب) ساکنان هر منطقه‌ای حاضر بودند کالاهای اضافی خود را با کالاهای خاص پرطوفدار معاوضه کنند؛ زیرا اطمینان داشتند که با دادن این کالاهای می‌توانند کالاهای موردنیاز خود را دریافت کنند. به این ترتیب، این نوع کالاهای به عنوان اولین پول، مورد استفاده قرار گرفت.

(ج) بی مبالغی یا سوءاستفاده برخی صرافان از اعتماد مردم یا تعداد زیاد انواع رسیدها و صرافی‌ها، که آشنازی و اعتبارسنجی آنها را برای مردم سخت کرده بود، موجب شد تا دولتها برای جلوگیری از بروز این گونه مشکلات به ناچار چاپ و انتشار اسکناس را بر عهده گیرند. فکر سپردن نشر پول به یک بانک تجاری از اینجا شکل گرفت.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸۶ و ۹۴)



(سیدمحمد هاشمی)

مفهوم کلی تمامی ابیات بر بیوفایی زمانه تأکید دارد و دگرگونی‌های روزگار را به زیان آدمی می‌داند، اما در گزینه «۴» گفته شده است: هر کسی که به شادی تو دلخوش و شادمان نگردد، از خوشی زمانه نیز برخوردار نشود (شعر برای مدح و تمثیل ممدوح است).

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۵)

«۵۹- گزینه «۴»

مفهوم کلی تمامی ابیات بر بیوفایی زمانه تأکید دارد و دگرگونی‌های روزگار را به زیان آدمی می‌داند، اما در گزینه «۴» گفته شده است: هر کسی که به شادی تو دلخوش و شادمان نگردد، از خوشی زمانه نیز برخوردار نشود (شعر برای مدح و تمثیل ممدوح است).

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۵)

(سیدمحمد هاشمی)

در بیت صورت سؤال، تأکید بر آن است که سخنانی که ما (مولوی) بر زبان می‌آوریم از خود ما نیست، بلکه این خداوند است که در نی وجود ما می‌دمد. همین مفهوم در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» نیز به طرق مختلف بیان شده است. در گزینه «۳»، گفته شده است که سخن حق را می‌توان از دو چیز شنید: نوای ساقی و باده و در حقیقت سخن واعظان افسانه‌ای بی‌ثمر است!

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۶)

«۶۰- گزینه «۳»

در بیت صورت سؤال، تأکید بر آن است که سخنانی که ما (مولوی) بر زبان می‌آوریم از خود ما نیست، بلکه این خداوند است که در نی وجود ما می‌دمد. همین مفهوم در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» نیز به طرق مختلف بیان شده است. در گزینه «۳»، گفته شده است که سخن حق را می‌توان از دو چیز شنید: نوای ساقی و باده و در حقیقت سخن واعظان افسانه‌ای بی‌ثمر است!

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۶)

علوم و فنون ادبی (۲)

(فرهاد فروزان‌کیا)

«۶۱- گزینه «۴»

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جامع التواریخ: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی - تاریخ [عمومی]

کتابی که تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ هـ. ق. را در بر می‌گیرد، تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی است.

گزینه «۲»: قاضی نورالله شوستری نویسنده کتاب مجالس المؤمنین در موضوع زندگی نامه می‌باشد.

گزینه «۳»: کتاب «رشحات عین‌الحیات» نوشته علی بن حسین واعظ کاشفی در موضوع عرفان است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، ترکیبی)

(عزیز الیاسی پور)

«۶۲- گزینه «۲»

ابیات «ب، پ و ت» همگی سروده صائب تبریزی‌اند و ویژگی ادبی بارز سبک هندی، استفاده از آرایه اسلوب معادله در هر سه بیت است که از آرایه‌های پرکاربرد سبک هندی محاسب می‌شود. ضمناً در بیت «ب» ردیف تقریباً طولانی و خوش‌آهنگ «از هم جدا» نیز از دیگر ویژگی‌های ادبی سبک هندی است.

ابیات «الف و ث» سروده حافظ هستند. زبان این ابیات، در مقایسه با زبان ابیات سبک هندی، کمی کهنه‌تر است و مختصات نو و کهن را با هم دارد.

ضمناً آرایه‌های پرکاربرد سبک هندی (تمیح، اسلوب معادله، حسن تعلیل، حس آمیزی و ...) نیز در این دو بیت دیده نمی‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۶ و ۸۲)

(محتبی فرهادی)

قابل سجع‌های متوازی در بیت «ب» پدیدآورنده آرایه ترصیع است و در سایر ابیات قابل سجع‌های متوازن و متوازی، پدیدآورنده آرایه موازن است. (علوم و فنون ادبی (۱)، برع لغتی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

«۵۵- گزینه «۱»

قابل سجع‌های متوازی در بیت «ب» پدیدآورنده آرایه ترصیع است و در سایر ابیات قابل سجع‌های متوازن و متوازی، پدیدآورنده آرایه موازن است. (علوم و فنون ادبی (۱)، برع لغتی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

(یاسین موریان)

بیت «ب»: وزن بیت، «فعولن فعلون فعلون فعلون» است که «خزانی» و «جوانی»، یک رکن کامل را تشکیل می‌دهند. (فعلون) بیت «د»: وزن بیت، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است که «می‌بری» و «می‌دری» یک رکن کامل را تشکیل می‌دهند. (فاعلن)

تشخیص ابیات دیگر:

بیت «الف»: وزن بیت، «مفاعیلن مفاعیلن فعلون» است که «می‌نماید» و «می‌رباید»، یک رکن عروضی کامل را شکل نمی‌دهند.

بیت «ج»: وزن بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است که «رباید» و «فزاید»، تشکیل‌دهنده یک رکن کامل نیستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(کاظم کاظمی)

«۵۶- گزینه «۳»

در این بیت، همزه در واژه‌های «آید» و «از» حذف نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: همزه در واژه‌های «آمد، آها و آوریدند» باید حذف شود تا وزن بهدست آید.

گزینه «۲»: همزه در واژه‌های «انداز، آورد و آورد» باید حذف شود تا وزن بهدست آید.

گزینه «۴»: همزه در واژه‌های «از» و «آید» باید حذف شود تا وزن بهدست آید.

توجه: ابیات همه گزینه‌ها در وزن «فعولن فعلون فعلون فعل» سروده شده‌اند و علامت‌های هجایی آن‌ها چنین است: U / -- U / -- U / -- U

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۶۸)

(سیدعلیرضا احمدی)

«۵۸- گزینه «۴»

در گزینه «۴»، «گل و گل» دارای عیب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «آنگیزد و برانگیزد» قافیه هستند. (فعل «برانگیزد» یک واژه مستقل و فعل پیشوندی است).

گزینه «۲»: «نبرند و نخورند» قافیه هستند. (بر و خور) ملحق به حروف الحاقی هستند. دقت کنید تفاوت مصوت کوتاه در حالتی که حرف یا حروف

الحاقی وجود داشته باشد، منجر به عیب قافیه نمی‌شود.

گزینه «۳»: «عقبا و ماوا»، «ا» حرف مشترک قافیه است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)



(محتوى فرهادی)

«۶۷- گزینه ۳»

بیت گزینه «۳» در وزن «مفتولن مفتولن مفتولن مفتولن» است که وزن دوری نیست.

تشرییح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مفتولن فاعلن مفتولن فاعلن

گزینه «۲»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مستفعلن فعلون مستفعلن فعلون)

گزینه «۴»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (مستفعل مفعولن مستفعلن مفعولن)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲)

(سید علیرضا احمدی)

«۶۸- گزینه ۳»

الگوهای هجایی بیت گزینه «۳»: $U - U / - U / - U / - U$ (مفاعیلن مفاعیلن فعلون)

الگوهای هجایی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: $U - U / - U / - U / - U$

گزینه «۲»: $- U - U / - U - U / - U - U$

گزینه «۴»: $- U - U / - U - U / - U - U$

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(سید علیرضا احمدی)

«۶۹- گزینه ۴»

فعالتن (کِ بِی ما) فعالاتن (نِ کِ شی شُه) فعالاتن (رِ شُ دَم رو) فعلن (رِ آ لست)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(محتوى فرهادی)

«۷۰- گزینه ۲»

توجه به دنیای درون و استفاده از اصطلاحات فلسفی (بازتاب بیشتر علوم در شعر) که از ویژگی‌های سبک دوره عراقی است، در این بیت دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحه‌های ۳۱ و ۳۷)

علوم و فنون ادبی (۱)

(فرهار فروزان‌کیا)

«۷۱- گزینه ۳»

شاهدنامه ابومنصوری به وسیله عده‌ای از دانشوران خراسان نگاشته شد؛ موضوع این کتاب، تاریخ گذشته ایران است که امروزه، چند صفحه از مقدمه آن باقی مانده است. ابومنصور عبدالرازاق، پادشاه سامانی، کسی بود که دستور داد تا چنین کتابی نوشته شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۰، ۴۱، ۴۳ و ۴۴)

(سید محمد‌هاشمی)

«۷۲- گزینه ۱»

این نثر از کتاب قابوستنامه می‌باشد و مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

(فرهار فروزان‌کیا)

«۶۳- گزینه ۳»

الف) تثبیت جایگاه تخلص در شعر از ویژگی‌های ادبی سبک عراقی است؛ خواجه تخلص خود را در مصراج اول آورده است.

ب) رواج تقدیرگرایی و غم‌گرایی از ویژگی‌های برجسته فکری در سبک عراقی است که هر دو در این بیت دیده می‌شوند.

ج) استفاده از اسلوب معادله و به‌کاربردن کلمات و اصطلاحات مربوط به زندگی روزمره (آتش و روغن و چراغ) از ویژگی‌های سبک هندی است.

د) برتری عشق بر عقل از اصلی‌ترین ویژگی‌های فکری سبک عراقی است.

ه) استفاده از لغات کمتر رایج آنراکت، بخیه، سفال، قالی و... در سبک هندی، ویژگی زبانی است. «عُش کردن» در این بیت گرفتاری شیرازی از این جنس واژه‌هاست.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۷، ۳۸، ۸۱ و ۸۲)

«۶۴- گزینه ۳»

سررو: تشبیه (تو سرو هستی) - بر سرو (استعاره از قدم) - ماه (استعاره از چهره) - خورشید (استعاره از چهره) - ماهی: تشبیه (تو ماه هستی) - بر ماه

(استعاره از صورت و چهره) - حلقه (استعاره از زلف) - زنجیر (استعاره از زلف و گیسو) = ۶ مورد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سرو (استعاره از معشوق) - خورشید ذُرم (استعاره مکنیه) - ماه (استعاره از معشوق)

گزینه «۲»: گوش صدف (اضافه استعاری) - لعل (استعاره از لب) - گهر (استعاره از سخن)

گزینه «۴»: نرگس (استعاره از چشم) - بادام (استعاره از چشم) (علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

(محتوى فرهادی)

«۶۵- گزینه ۴»

بیت «الف»: استعاره: «جان» در کلمه «جانا» استعاره از معشوق / بیت

«ب»: مجاز: شیخ و شاب مجاز از همه مردم / ج: کنایه: دست افسان شدن کنایه از رقصیدن / بیت «د»: تشبیه: «تواله هجر» و «خوان وصل»

اضافه تشبیهی

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

(محتوى فرهادی)

«۶۶- گزینه ۳»

فاقد آرایه استعاره / تشبیه خود به طبیب

تشرییح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تشبیه: کمند شوق (اضافه تشبیهی) / استعاره: «نشیمن حیرت» استعاره از دنیا

گزینه «۲»: تشبیه: قدح لاله (اضافه تشبیهی) / استعاره: «نرگس سرمست» (تشخیص)

گزینه «۴»: تشبیه: «آب حیوانم» / استعاره: «جگر سنگ» (استعاره مکنیه و تشخیص)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)



(یاسین مهریان)

۷۷- گزینه «۲»

در این رباعی، «ی» فقط به شکل مصوت نیست و در کلمه «خرقه»، صامت «ی» نیز به شکل یای میانجی، به کار رفته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مصوت بلند پیش از «ن»، زمانی کوتاه به حساب می‌آید که «ن» ساکن باشد و در این رباعی، «آن» شامل این شرایط است.

گزینه «۳»: هجاهای کشیده رباعی: «چند»، «گوش»، «پند»، «گاه»، «لند»، «یاد» و «مند»

گزینه «۴»: وزن رباعی، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است که دارای چهار رکن عروضی می‌باشد و حذف همزه در «بیدیدمان» (بیدیدمان آن)، مشهود است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، ترکیبی)

(کاظم کاظمی)

۷۸- گزینه «۴»

قافیه: غریبان، طبیبان / حروف اصلی: بیب / حروف الحاقی: ان

بررسی قافیه در سایر ایات و دلیل نادرست آنها:

گزینه «۱»: قافیه: گرفت - برفت: حروف قافیه: - فت، - فت (اختلاف مصوت‌های کوتاه، بدون آمدن حروف الحاقی)

گزینه «۲»: قافیه: بحر، شهر / حروف قافیه: - حر، - هر (اختلاف صامت «ح» و «ه») یا رعایت نشدن قافیه خطی

گزینه «۳»: قافیه: شکر، کفر / حروف قافیه: - کر، - فر (اختلاف صامت‌های «ک، ف»)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۲)

(کتاب آبی)

۷۹- گزینه «۱»

بیت گزینه «۱»، هم‌جون عبارت سوال، مفهوم وحدت وجود را بیان می‌کند. مفهوم ایات گزینه‌های دیگر به ترتیب «فنا»، «سپاسگزاری خالصانه» و «خداشناسی از طریق خودشناسی» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

(سید محمد هاشمی)

۸۰- گزینه «۳»

تمامی ایات این گزینه، توصیه به سنجیده حرف زدن و تأمل قبل از سخن گفتن دارند، اما در بیت «ب» صحبت از آن است که در جهان دیگر، اعمال آدمی به کار می‌آید نه سخنداً بودن. در بیت «د» نیز، سخن از اتحاد و کنار هم بودن است و گفته شده است که موشی نیز می‌تواند مهار شتری تنها مانده را بکشد!

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۹)

(سید محمد هاشمی)

۷۳- گزینه «۴»

وجود واژه «مزگت» یا مسجد که واژه‌ای کهن است و همچنین کاربرد «همی»، از ویژگی‌های سبک خراسانی است. این متن از کتاب «قابل‌نامه» آورده شده است که شیوه نوشتار آن در سبک خراسانی (سبک دوره غزنی و سلجوقی) می‌باشد.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: حذف افعال اصلاً در متن صورت سؤال اتفاق نیفتاده است و جمله‌ها هم خیلی کوتاه نیستند.

گزینه «۲»: استفاده فراوان از واژگان عربی از ویژگی‌های سبک عراقی است و در متن مذکور، اکثر کلمات فارسی‌اند.

گزینه «۳»: پیچیدگی‌های حکمی و اندیشه‌های فلسفی در سبک خراسانی هنوز خیلی وجود نداشت و متن صورت سؤال هم از لحاظ مفهومی، ساده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸ و ۶۵)

۷۴- گزینه «۴»

در این گزینه، واژه‌های دوش در هر دو مصراج جناس تام دارند. «دوش» در مصراج اول به معنای شانه و در مصراج دوم به معنای دیشب آمده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دو واژه «بِدان» و «بِدان» جناس ناقص دارند. (حرکتی)

گزینه «۲»: «دور» و «نور» دارای جناس ناقص هستند. (اختلافی)

گزینه «۳»: «رأی» و «جای» دارای جناس ناقص هستند. (اختلافی)

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لغتی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۷۵- گزینه «۳»

در گزینه «۳»، «عمر» اول و «مال» سجع متوازن دارند. فعل «است» بعد از مال به قرینه لفظی حذف شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این گزینه سجع وجود ندارد.

گزینه «۲»: «سر» و «زر» چون وزن و قافیه یکسانی دارند دارای سجع متوازنی هستند. فعل «ندارد» بعد از «زر» به قرینه لفظی حذف شده است.

گزینه «۴»: «نشسته» و «بسته» فقط قافیه یکسانی دارند و وزن‌شان متفاوت است، پس سجع مطرطف دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لغتی، صفحه ۵۳)

۷۶- گزینه «۲»

د) جناس: خون و چون

ب) تشییه: مُهر خاموشی (اضافهٔ تشییه)

ج) سجع: آمد، شده، بسته

الف) واژه‌آرایی: تکرار «خاک»

ه) اشتقاد: وصف و موصوف

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و برع، ترکیبی)

جامعه‌شناسی (۱)**«۳- گزینه»**

هنگارها نموهای از پدیده‌های اجتماعی هستند.

جهان اجتماعی و نظام آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری و قراردادی است؛ یعنی با آگاهی و اراده انسان‌ها شکل می‌گیرد.

آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتابزده و نابخردانه انسان‌هاست. بنابراین از تأثیرات جهان اجتماعی بر جهان طبیعی است.

معتداد شدن به فضای مجازی، پیامد ارادی کنش وابسته به اراده کششگر است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱، ۷، ۱۳، ۱۹ و ۲۲)

«۴- گزینه»

علت تنگ شدن عرصه بر سایر کنش‌ها → رواج شدید کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا

سپردن داوری درباره آرمان‌ها و ارزش‌ها به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق → پیامد افول علوم عقلانی و وحیانی

گسترش دانش وسائل → بسط و توسعه عقلانیت ابزاری از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها → زوال عقلانیت ذاتی

علت عدم وجود قداست → طرد عناصر معنوی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

«۵- گزینه»**اصلاح عبارت نادرست:**

در دیدگاه طولی همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر این اساس مسیر یکسانی را طی می‌کنند؛ یعنی همه آن‌ها شبیه به یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوت‌شان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مرحله بزرگسالی پیدا می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست - نادرست

گزینه «۲»: نادرست - نادرست

گزینه «۴»: درست - درست

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

«۶- گزینه»

- این جمله نشان‌دهنده تأثیر جهان اجتماعی بر جهان نفسانی است.

- واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد.

- استکبارستیزی و احترام به پدر و مادر، درون قلمرو واقعی جامعه ما قرار دارند.

- بخش چهارم صورت سؤال و عبارت ذکر شده در گزینه «۳»، هر دو به تأثیر جهان نفسانی بر جهان جسمانی اشاره دارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، ترکیبی، صفحه‌های ۵۱ و ۶۱)

«۵- گزینه»

(گلار غلامی)

فرهنگ فایده‌گرایی منجر به شکل‌گیری جوامعی شد که در آن‌ها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آن‌ها را معین می‌کرد.

تداوی تعارض فرهنگی (شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جامعه) منجر به تزلزل فرهنگی می‌شود.

مواجهه یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بنبست‌های درونی علت کهولت و مرگ یک جهان اجتماعی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱، ۹۳ و ۹۴)

«۶- گزینه»

(آریتا بیدرقی)

در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های آن را فراموش نکنند، داد و ستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و درصورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را قبول کند، به آن ملحق می‌شود.

جهان اجتماعی خودباخته، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقليدی فرا می‌گیرد. حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست می‌دهد و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱، ۹۳ و ۹۷)

«۷- گزینه»

(آریتا بیدرقی)

حکومت یک فرد براساس خواست و میل خود ← تیرانی (استبدادی) حکومت نخبگانی که براساس فضیلت تصمیم می‌گیرند و اثرگذارند. ← آریستوکراسی

اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند. ← جمهوری (بولیتی) مشروطه سلطنتی انگلستان ← مونارشی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰ و ۱۲)

«۸- گزینه»

(گلار غلامی)

- علت پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی: ارزیابی گروه‌های دیگر براساس معیار فایده‌مندی توسط گروه متوسط

- علت بازندهشی متفکران و دانشمندان درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی: کاستی و خلاً معنوی

- علت رواج تصویر القایی شرق‌شناسان از هویت جهان اسلام در بین جوامع اسلامی: خودباختگی فرهنگی (غرب‌زدگی)

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۳، ۹۴ و ۹۵)



(شهریار عبدالله)

بخش اول: بلوک شرق و غرب از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی کاملاً جدا بودند. برای مثال بلوک غرب از نظر اقتصادی به سرمایه‌داری (لیرالیسم) و آزادی بازار معتقد بود ولی بلوک شرق به کمونیسم و دولتی بودن بازار معتقد بود اما هر دو بلوک، درون فرهنگ غرب بودند؛ یعنی به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ زیرا هر دوی آن‌ها دیدگاه تحریبی و این‌جهانی داشتند. همچنین چالش بین این دو بلوک نیز چالشی جهانی بود.

بخش دوم: تفاوت چالش فقر و غنا با بحران اقتصادی این است که چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است و همواره متوجه قشر ضعیف جامعه است اما بحران اقتصادی اغلب مقطعي است و تمام افراد جامعه را در برمی‌گیرد. بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویت اقتصادی دارند.

بخش سوم: انقلاب اسلامی ایران به هیچ‌کدام از دو بلوک غرب و شرق تعلق نداشت و از متن فرهنگ اسلامی برخاست. توجه کنید در این بخش باید گزینهٔ غلط را انتخاب کنید.

(جامعه‌شناسی (۲)، صفحه‌های ۸۱، ۹۲، ۹۳ و ۹۴)

۹۴- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

۸۹- گزینه «۴»**تشریف موارد تادرست:**

- عبارت «انسان تربیت‌پذیر است.» از جمله عقاید نهاد تعلیم و تربیت است. - تمامی پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همهٔ پدیده‌های اجتماعی، بعد محسوس و عینی ندارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، ترکیبی، صفحه‌های ۳۱، ۳۷ و ۵۷ و ۷۳)

۹۰- گزینه «۴»

(شهریار عبدالله)

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است.

مجموعهٔ کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصادی را شکل می‌دهد. نهاد سیاست مسئولیت همانگی نهادها را بر عهده دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۴۵)

جامعه‌شناسی (۲)**۹۱- گزینه «۱»**

(آریتا بیدقی)

علت پاسخ به پرسش‌های همیشگی بشر ← وجود عقلانیت سطح یک علت اینکه انسان نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد. ← فرهنگ‌های جبرگرا

علت اینکه برخی فرهنگ‌ها نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند. ← عدم وجود حقیقت

علت اینکه یکی از پاسخ‌های امروز بشر به رشد جمعیت کرهٔ زمین و کمبود منابع، تولید محصولات تاریخته است. ← وجود عقلانیت سطح دو

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ پهلوانی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۹۲- گزینه «۴»

(زینب آذری)

اشغال یک سرزمین خارجی با توصل به قدرت نظامی و سیاسی استعمار نامیده می‌شود.

زیباترین مخلوق خداوند، عقل است.
بازگشت هنجرهای جاهله‌های به اسلام مربوط به دوران خلافت است.
در استعمار فرانو جهان غرب به عقاید و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ پهلوانی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۷)

۹۳- گزینه «۲»

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دورهٔ زمانی
دئیسم	عقل‌گرایی، نفی و حی	قرنون هفدهم و هجدهم
دانش ابزاری	حس‌گرایی، نفی عقل و حی	قرنون نوزدهم و بیستم
پایان قرن بیستم	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و حی	

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین پهلوانی، صفحه ۱۴۵)

(نگار غلامی)

۹۵- گزینه «۱»

مسیحیت با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند. آباء کلیسا از شعارها و مفاهیم معنوی استفاده می‌کردند و در عمل سکولاریسم را دنبال می‌کردند.

حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی مخالف جریان دنیاگرا، مورد هجوم کاتولیک‌ها و دیگر پرووتستان‌ها قرار گرفتند و امکان گسترش پیدا نکردند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین پهلوانی، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

(نگار غلامی)

۹۶- گزینه «۴»

اصطلاح کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافافته به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه‌یافته، الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر آن‌ها را ادامه دهند.

فعالیت‌های دنیای غرب در جهت مقابله با جهان اسلام؛ مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.

محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می‌شود.

تبليغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای پر کردن خلاً معنوی فرهنگ غرب.

ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌دهی جریان‌های ترویستی و هابی.

ارائه تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.

جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.

ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.

(جامعه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۸۸، ۱۳۲ و ۱۳۳)



(فاطمه صفری)

گزینه «۲»

زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده‌های طبیعی‌اند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند. انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی انجام می‌دهند؛ آن‌ها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، انبارها و سیلوهایی را بنا می‌کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راههایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب ابداع می‌کنند و کشاورزی متناسب با همان آب و هوا را بر می‌گزینند.

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

مجموعه پدیده‌های اجتماعی جهان اجتماعی را شکل می‌دهند.
(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۲)

(ریحانه امینی)

گزینه «۲»

کشور: کلان و عینی
سفره هفت‌سین: خرد و عینی
عادالت: کلان و ذهنی
تصور یک گل زیبا: خرد و ذهنی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۲۸)

(ریحانه امینی)

گزینه «۴»

- تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنجرها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.
- عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

باور و اعتقاد انسان به اصل جهان در حوزه عمیق‌ترین «پدیده‌های اجتماعی» قرار می‌گیرند.

- جهان اساطیری طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. منع انسان از تناول گیاهان و حیوانات، نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست.
(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۰، ۳۷ و ۴۷)

(ریحانه امینی)

گزینه «۲»

ژروتمند: اکتسابی - اجتماعی - متغیر
خوش‌اندام: اکتسابی - فردی - متغیر
اسپانیایی (محل تولد): انتسابی - اجتماعی - ثابت

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

(ریحانه امینی)

گزینه «۳»

- مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت موافق حکم و قانون و ارادهٔ تشریعی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد اما اگر مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.
- جامعه‌ای که در آن اقلیت بر اساس خواست و میل شخصی حاکم حکومت کنند، خست (جامعهٔ خوش‌گذرانی) نامیده می‌شود.

(آریتا بیدرقی)

رشد تجارت و بردباری ← انتقال برددهای سیاهپوست آفریقایی به مزارع آمریکایی ← انتقال ثروت به جوامع اروپایی ← جایگاه برتر بازار گانان نسبت به زمین‌داران ← نیاز دولت‌ها برای افزایش قدرت به پول و ثروت بازار گانان ← نیاز بازار گانان به حمایت نظامی دولتمردان برای تجارت و سود ← پیوند قدرت با ثروت و تجارت ← ظهور صنعت ← سرعت بخشیدن به ایجاد ثروت سرمایه‌داران

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین چهانی، صفحه ۵۱)

گزینه «۳»

(آریتا بیدرقی)

جمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت ← متزلزل ساختن
هویت فرهنگی جوامع غیرغربی

علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست ←
روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است.
علم ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی ← عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب دارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های چهانی، صفحه‌های ۷۱، ۷۰ و ۹۹)

گزینه «۱»

(کلار غلامی)

- فرعون ناگزیر بود خود را در زمرة خدایان معرفی کند تا بتواند موقعیت و رفتار ظالمانه خود را توجیه نماید.
- ژان کالون و مارتین لوثر با تفاسیر بروستانتی از دین، در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند.
- مارکس در چارچوب بنیان‌های فرهنگی غرب به حل چالش‌های جامعه خود می‌پرداخت.
- از نظر مارکس ویر جهان متعدد در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام بر می‌دارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، ترکیبی)

گزینه «۳»

(زینب آزری)

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفتۀ فرهنگ غرب می‌ساخت.
منورالفکران، بیداری را برخلاف بیدارگران اسلامی در گذر از فرهنگ اسلام می‌دیدند.

تفاوت جنبش عدالتخانه و جنبش تنبکو در این است که جنبش تنبکو رفتار را اصلاح می‌کرد اما جنبش عدالتخانه در سطح وسیع‌تری بود و علاوه‌بر اصلاح رفتار، ساختار سیاسی را نیز تغییر می‌داد.

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و چهان بیدار، صفحه‌های ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۷)

جامعه‌شناسی (۱)

(فاطمه صفری)

ارزش‌ها و هنجرهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند.
پرسش «چرا چنین کاری کرد؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود.
هنجرهای از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند و بایدها و نبایدهایی یک کنش اجتماعی را بیان می‌کنند؛ بنابراین لزوم رعایت ادب یک هنجر اجتماعی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵، ۱۳ و ۱۴)

گزینه «۴»



عربی زبان قرآن (۱)

(قاله مشیرپناهی - هگلران)

۱۱۱- گزینه «۲»

«الْتَّوْبَةُ عَنِ الْعِبَادَةِ»: توبه را از بندگانش (بندگان خود، بندگان خویش) (رد سایر گزینه‌ها، اوّل «عِبَادَة» به معنی «بندگان» است که در گزینه‌های ۳ و ۴ به استباہ به صورت «عبدات کنندگان» ترجمه شده است، ثانیاً «الْتَّوْبَةُ» مفعول و «غَنِيَّةُ عَبَادَةِ» ترکیب جاز و مجرور است که در گزینه‌های ۱ و ۳ به استباہ به صورت یک ترکیب اضافی ترجمه شده است). / «السَّيِّئَاتُ»: بدی‌ها (ضمیر «آن‌ها» در گزینه ۳ اضافی است). / «مَا» نقش مفعول را دارد و به معنی «آن‌چه را» است که لفظ «مَا» در گزینه ۴ اضافی است. / «تَقْلِيلُونَ»: (فعل مضارع به صیغه «أَنْتُمْ») انجام می‌دهید (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (ترجمه)

(بهروز میربرکی)

۱۱۲- گزینه «۲»

«أشجار الحديقة الخضراء»: درختان سرسیز باغ («أشجار» مبتدأ و مرفوع و «الخضراء» صفتی و به تعیت از آن مرفوع است) (رد گزینه‌های ۱ و ۳) «يُصَدِّرُ»: (فعل مضارع مجھول است) صادر می‌شود (رد گزینه ۳) / «قَسْمٌ مِّنْهَا»: قسمتی (بخشی) از آن (رد گزینه‌های ۱ و ۴)، «قَسْمٌ» به معنی «قسمتی، بخشی» است، نه «برخی، بعضی»). / «بعض البَلَدان الْمُتَقدَّمةُ»: بعضی کشورهای پیشرفت‌های (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (ترجمه)

(بهروز میربرکی)

۱۱۳- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: الصیدلی: داروخانه‌دار، متصدی داروخانه (الصیدلية: داروخانه) گزینه «۲»: المُنْهَدِرات: سراشیبی‌ها (المصافی: پالایشگاهها) گزینه «۴»: سریر: تخت (ترجمه)

(سیده مهیا مؤمنی)

۱۱۴- گزینه «۳»

«ما مسلمانیم»: نحن مسلمون (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «باید (ما)»: علیئاً / «دفاع کسیم»: آن دفاع (رد گزینه ۱) / «مظلومان جهان»: (مضاف + مضالف‌الیه) مظلومی العالم (رد سایر گزینه‌ها) تکنی: در ترکیب‌های اضافی، اگر مضاف، مثی یا جمع مذکور سالم باشد، حرف نون از انتهای مضاف حذف می‌شود: مظلومین (مضاف) + العالم (مضاف‌الیه) ← مظلومی العالم (ترجمه)

(قاله مشیرپناهی - هگلران)

۱۱۵- گزینه «۳»

ترجمه و تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «روزی به نفع تو و روزی به زیان تو» ← مفهوم این عبارت و ضربالمثل داده شده این است که اوضاع و احوال زندگی انسان همیشه یکسان نیست و زندگی بالا و پایین زیادی دارد. گزینه «۲»: «خدا به کسی جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی‌کند». ← مفهوم آیه و عبارت داده شده این است که خدا انجام کاری را که بیش از توان و ظرفیت انسان است، از وی نمی‌خواهد. گزینه «۳»: «ثمرة دانش، اخلاص عمل است.» ← مفهوم این عبارت این است که نتیجه و حاصل دانش، خالص شدن عمل و به دور بودن آن از ریا و خودنمایی است، در حالی که عبارت داده شده می‌گوید علم و دانشی که همراه عمل نیاشد و در حد گفارتار باقی بماند، هیچ ارزشی ندارد.

- اگر تغییرات اجتماعی را به دو دسته تغییرات سطحی و عمیق یا خرد و کلان تقسیم کنیم؛ تغییرات عمیق و کلان را تحول اجتماعی می‌گویند. در تحول اجتماعی یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود. (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۱۲)

۱۰۷- گزینه «۲»

نظام سیاسی لیبرال دموکراسی ← در آن نمی‌توان از مشروعتی سخن گفت. جوامع جاهلی در اندیشه فارابی ← جوامعی‌اند که ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها عقلانی، وحیانی و الهی نباشد. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ← عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش‌های الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند و انسان‌ها مسئولیت شناخت و اجرای آن‌ها را بر عهده دارند. (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۱۳)

۱۰۸- گزینه «۲»

(شهریار عبدالله) بخش اول: علت بسط بیشتر یک فرهنگ، تعداد بیشتر عاملان و حاملان (مریدان، پیروان، اعضا و ...) آن است. بخش دوم: حیات معنوی اسلام باعث وادار شدن اندیشمندان غربی به تأمل و بازبینی درباره نظریات پیشین خود شد. بخش سوم: پدید آمدن عقاید و ارزش‌های مشترک میان مردم علت تشکیل هویت فرهنگی است. (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، ترکیبی، صفحه‌های ۹۰، ۹۱ و ۱۱۷)

۱۰۹- گزینه «۲»

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - درست گزینه «۲»: نادرست (قلمرو آرمانی همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند) - درست گزینه «۳»: نادرست (به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن‌ها هاستند، آرمان اجتماعی می‌گویند). - نادرست (اگر هنگارها و اعمال خود را براساس عقاید و ارزش‌ها سامان دهیم، آن‌ها را به قلمرو واقعی وارد می‌کنیم). گزینه «۴»: نادرست (ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آن‌ها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد). - نادرست (با عمل به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را به قلمرو واقعی خود وارد می‌کنیم).

(جامعه‌شناسی (۱)، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۱۱۰- گزینه «۳»

تشریح موارد نادرست:

جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است (جامعه سرمایه‌داری)، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند. از نظر جوامعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند، ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن عقاید و ارزش‌های اجتماعی و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آن‌ها را بشناسیم و راهی برای داوری و ارزیابی آن‌ها نداریم. (جامعه‌شناسی (۱)، ترکیبی، صفحه‌های ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰ و ۹۱)



گزینه «۳»: در مدرسه را هر روز پس از رفتن دانشآموزان می‌بندم. («أغلق» فعل مضارع معلوم صيغة «أنا» و «باب» مفعول آن است).
 گزینه «۴»: ساخت این دستبند قدیمی به قرن دهم برمی‌گردد. («يرجع» فعل مضارع معلوم است. (صيغه «نیز» یک اسم و دارای معنای مصدری است). (قواعد فعل)

عربی زبان قرآن (۲)

(سید محمدعلی مرتفوی)

۱۲۱- گزینه «۲»
 «دُعَ»: رها کن (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «شاتِمک»: دشنامگویت (رد گزینه «۴»)
 «مُهَاجِنَّاً»: خوار / «تُرْضِي»: راضی کنی (رد سایر گزینه‌ها) / «تُسْخِطَ»: خشمگین کنی (رد سایر گزینه‌ها) / «تعاقب»: مجازات کنی (رد سایر گزینه‌ها) / «عدُوَّكَ»: دشمنت (رد گزینه «۳»)
 (ترجمه)

(علی محسن زاده)

۱۲۲- گزینه «۲»
 «إِنْ فَتَحَ»: (اسلوب شرط) اگر باز کنند، اگر باز کرد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «غِشَائِهِ الْخَاصِ»: پرده خاچش (رد گزینه «۱») / «استِعْلَانُ أَنْ يَطِيرَ»: می‌تواند پرواز کند (رد گزینه «۳») / «أَكْثَرُ مِنْ مِئَةٍ وَّ خَمْسِينَ قَدَمًا»: بیشتر از صد و پنجاه قدم (گام) (رد گزینه «۱») / «فِي الْقَفْرَةِ الْأُولَى»: در پرش اول، در اولین پرش (رد گزینه‌های ۳ و ۴؛ در گزینه «۴»، «خود» اضافی است).
 (ترجمه)

(درویشعلی ابراهیمی)

۱۲۳- گزینه «۲»
 «جَاءَ»: آمد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أَسْلَمَ»: مسلمان شد، اسلام آورد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أَيْضًا»: نیز، هم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «بَعْدَ اسْلَامِهِمَا»: بعد از مسلمان شدنشان (رد گزینه «۱») / «كَلَّهُمْ»: همگی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «اَطْلَاقَ»: آزاد کردن (رد سایر گزینه‌ها) / «أَسْرَاهُمْ»: اسیرانشان (رد گزینه «۱»)
 (ترجمه)

(علی محسن زاده)

۱۲۴- گزینه «۴»
 ترجمۀ درست عبارت گزینه «۴»: آیا ندانستید که راستگو بیشتر از چیزی را که دروغگو با دروغ خویش به دست آورده است به دست می‌آورد!
 (ترجمه)

(محمدعلی کاظمی نصرآبادی)

۱۲۵- گزینه «۴»
 صورت سؤال اشاره دارد به اینکه «دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است» که با سه گزینه اول در ارتباط است، ولی با گزینه «۴» (علم را یاد بگیرید؛ پس همانا یادگیری آن، نیکو و طلب آن عبادت است) ارتباطی ندارد.
 ترجمۀ عبارت گزینه «۱»: دانش به تنها یک کافی نیست، اما علم به همراه عمل به انسان سود می‌رساند.
 (مفهوم)

(پیروز وهاب)

۱۲۶- گزینه «۲»
 «مِنْ مَصْدَرِ (إِكْثَارٍ)» نادرست است، «إِكْثَارٌ» (بر وزن: افعال) مصدر از باب افعال است، درحالی که وزن «أَفْعَلٌ» اسم تفضیلی است که از مصدر مجرد ثلاثی ساخته می‌شود.
 صورت صحیح آن ← مِنْ مَصْدَرِ (كثرة) / همچنین «معرفة» اشتباه است.
 (تفلیل صرفی و اعراب)

گزینه «۴»: «دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.» ← مفهوم آیه و بیت داده شده این است که هر انسانی کار و انتخاب خودش را دارد و هر کس مسئول اعمال و سرنوشت خویش است و گناه کسی بر گردن دیگری نیست.

(مفهوم)

۱۱۶- گزینه «۳»

«الْعَدُوانِ» اسم مفرد است، نه مثنی؛ زیرا به معنای «دشمنی» است و دلالت بر دو انسان یا دو چیز ندارد.
 توجه داشته باشید که برخی کلمات به «ان» ختم می‌شوند ولی مثنی نیستند، چون دلالت بر «دو» ندارند؛ مانند: عمران، سلمان، شیطان، دُوران، جیران.
 (تفلیل صرفی و اعراب)

(محمدعلی کاظمی نصرآبادی)

در این گزینه، فعل «يَنْتَظِرُونَ» نادرست است و درست آن «يَنْتَظِلُونَ» از باب افتیاع است. (فعل مضارع باب افتیاع بر وزن «يَفْتَلُ» و با علامت کسره روی عین الفعل می‌آید).
 (غایطه هر کات)

(محمدعلی کاظمی نصرآبادی)

در این گزینه، کلمه «كتَب» جمع مکستر کلمه «كتَاب» است اما به صورت مفرد ترجمه می‌شود، چون محدودها چه مفرد و چه جمع باشند، همواره به صورت مفرد معنی می‌شوند؛ مثال: تسعة كتب ← نه كتاب
تشريح سایر گزینه‌ها:
 گزینه «۱»: «مَرْضٍ» جمع مکستر «مَرْبِضٍ» است و «مَرْبِضٍ» معنی می‌شود.

گزینه «۲»: «الذَّرَاتِ» جمع مؤنث سالم است و «ذَرَهَا» معنی می‌شود.
 گزینه «۳»: «شَرَاحٍ» جمع مکستر «شَارِحٍ» است و «شَارِحٍ» معنی می‌شود.
 (عدرا)

(سیده همیا مؤمنی)

ضمیر «ي» در این گزینه بعد از نون و قایه آمده، پس مفعول است. از طرف دیگر، ضمایر نیز همگی مبنی هستند.
تشريح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «قصيدة» مفعول و معرب است.
 گزینه «۳»: در این گزینه مفعول نداریم. «ابْتَعَدْنَا» (دور شدیم) تنها فعل عبارت است که فعلی لازم (ناغذر) می‌باشد.
 گزینه «۴»: «مَنْ» فاعلِ فعلی «أَخَذَ» و «أَمْوَالٍ» مفعول آن است، «أَمْوَالٍ» نیز اسمی معرب محسوب می‌شود.

(قواعد اسم)

(فابر مشیرپناهی - هگلران)

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «نائب فاعل» آمده باشد؛ یعنی باید دنبال گزینه‌ای بگردیم که در آن فعل مجھول استفاده شده باشد.
ترجمۀ و تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: به پدرم گفتی؛ این زیباترین هتلی است که در آن مانده‌ایم.
 («فُلَتْ» و «لِبَشْنَا» هر دو فعل معلوم هستند).

گزینه «۲»: نام مردی در مجلس برده شد که کسی وی را نمی‌شناخت.
 («ذَكْرٌ» فعل ماضی مجھول و «اسْمٌ» نائب فاعل آن است. «لا يَعْرِفُ» نیز فعل مضارع معلوم است).



عربی زبان قرآن (۱)

(علی محسن زاده)

۱۳۱- گزینه «۳»

«**یتَّقَوُونَ**»: فکر می‌کنند، می‌اندیشند، اندیشه می‌کنند (رد گزینه ۲) / «**السَّمَوَاتِ**»: آسمان‌ها (رد گزینه ۱) / «**رَبَّنَا**»: پروردگارا / «**مَا خَلَقْتَ هَذَا باطلاً**»: این را بیهوده نیافریدی (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

(مرتفع کاظم شیرودی)

۱۳۲- گزینه «۳»

«**اللَّأْسَمَاكَ**»: ماهی‌ها ... دارند (توجه داشته باشید که حرف جر «ل» در ابتدای جمله، گاهی به معنای مالکیت است که در ترجمه از خانواده «داشت» استفاده می‌شود) / «**خِلْقَةٌ غَرِيبَةٌ**»: خلقت عجیبی، آفرینش عجیبی (رد گزینه ۲) / «**يَنْبِيرَ**»: روشن می‌کند، نور می‌دهد (رد گزینه ۲) / «**ضَوْءٌ**»: نور / «**غَيْوَنَ**»: چشمان (جمع مکسر و مفردش «غین» است) (رد گزینه ۱) / «**بَعْضُ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ**»: برخی از این ماهیان (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «**الْبَيْئَةُ**»: محیط / «**مَائَى مَطَرٍ**»: دویست متر (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

(سیده مهیا مؤمنی)

۱۳۳- گزینه «۴»

«**تَغْسِلٌ**»: می‌شویند (رد گزینه ۳) / «**أَجْسَامٌ**»: بدن‌ها، اجسام (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «**مَيَاهٌ**»: آب‌ها (رد گزینه ۲) / «**وَقَائِيَةٌ**»: پیشگیری (رد گزینه ۱) / «**الْأَمْرَاضُ الْمُخْتَلِفَةُ**»: بیماری‌های گوناگون (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

(سیده مهیا مؤمنی)

۱۳۴- گزینه «۴»

«**تَبَعَّدُ**»: دور شوند / «**خَوْدُ**» نیز در ترجمه این گزینه اضافی است.

نکته: دور شوند / «**خَوْدُ**» نیز در ترجمه این گزینه اضافی است.

نکته: مصدر «تحریک» (از باب تعییل) به معنی «حرکت دادن» و مصدر «تحرک» (از باب تفعّل) به معنی «حرکت کردن» است.

(ترجمه)

(پیروز ویان)

۱۳۵- گزینه «۱»

«**كَشْتَأَيْ كَهْ**»: السفينة الْتَّي / «**دَر طوفان**»: فی العاصفة (رد گزینه ۳) / «**شَكَسْتَه شَدَ**»: إنگستَرت، كُسْرَت / «**بِهْوَسِيلَه يَدْكَ كَشْ بَزَرَكْ**»: بالقطارة العظيمة (الكبيرة) (رد گزینه ۳) / «**بَهْ سَوَى**»: إلی، نحو / «**حَرْكَت دَادَه مَيْ شَوَّدَ**»: تُخَرَّك (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

(پیروز ویان)

۱۳۶- گزینه «۴»

ایستگاه‌ها: مکان‌هایی هستند که برای کارهای مختلف ساخته می‌شوند و متراfasn موافق (ایستگاه‌ها) است.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وطن‌ها: شخصی که با ما در یک سرزمین زندگی می‌کند. (با مواطن «شهروند» اشتباہ نشود)

گزینه «۲»: عصرها: بادی شدید است که مکان‌هایی را که در مسیرش است، خراب می‌کند. (با «عصر «گردباد» اشتباہ نشود)

گزینه «۳»: باریدن: همان آب‌هایی است که از آسمان فرود می‌آید و مفرش مطر (باران) است. (با «مطر «باران» اشتباہ نشود)

(واژگان)

(مرتفع کاظم شیرودی)

«**أَرْتَفَعَ**» نادرست است (صحیح: ارتفع، بر وزن «افتَّعل»، فعل ماضی از باب افتعال است) / «**الْمَوْجُ**» نادرست است (صحیح: الموج).

توجه: به حرکت‌های برخی کلمات پرکاربرد در کتاب درسی که در زبان عربی و فارسی مشترک هستند، دقت نمایید.

(ضبط هرگز)

۱۲۷- گزینه «۱»

«**أَرْتَفَعَ**» نادرست است (صحیح: ارتفع، بر وزن «افتَّعل»، فعل ماضی از باب افتعال است) / «**الْمَوْجُ**» نادرست است (صحیح: الموج).

توجه: به حرکت‌های برخی کلمات پرکاربرد در کتاب درسی که در زبان عربی و فارسی مشترک هستند، دقت نمایید.

(ضبط هرگز)

۱۲۸- گزینه «۳»

ترجمه عبارت صورت سؤال: «با افکار بدمن ... ، ... در زندگی»

تشریف گزینه‌ها:

گزینه «۱»: می‌جنگیم – تا موفق شویم.

گزینه «۲»: جنگیدیم – تا موفق شویم.

گزینه «۳»: باید بجنگیم – باید موفق شویم. (یکی از فعل‌ها باید به صورت امر باید، بلکه باید با «حتی» یا «ل» ناصبه (تا، تا اینکه) همراه شود تا معنای عبارت درست باشد).

گزینه «۴»: جنگیدیم – و موفق شدیم.

(قواعد فعل)

۱۲۹- گزینه «۴»

در این گزینه، هیچ‌کدام از فعل‌های مضارع «يعيش» و «يحصل» معنی «ماضی» ندارند، بلکه به ترتیب به صورت «مضارع اخباری» و «مضارع التزامي» ترجمه می‌شوند. ترجمه: «کاش هر دانش‌آموزی که در کشور زندگی می‌کند، شغل مناسبی به دست بیاورد.» [«بحصل» به دلیل حرف لیت» به صورت «مضارع التزامي» ترجمه می‌شود.]

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «یجلس» چون پس از اسم نکره «تلمیذ» آمده است و فعل قبل از آن (بحث) ماضی است، به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. ترجمه: «امروز من به دنبال کتاب دانش‌آموزی گشتم که پشت سر من در کلاس می‌نشست.

گزینه «۲»: «لم يجتهدوا» و «لم يصلوا» هردو به صورت «ماضی ساده منفي» یا «ماضی نقلی منفي» ترجمه می‌شوند. ترجمه: «دوسستان در درسهاشان تلاش نکرددند (تلاش نکردند)، به همین خاطر به آرزوهاشان نرسیدند (نرسیده‌اند).»

گزینه «۳»: «يتعلمن» به دلیل وجود «كانت»، به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. ترجمه: «در قدیم دختران بهترین کارها را از مادرانشان می‌آموختند.

(قواعد فعل)

۱۳۰- گزینه «۳»

صورت سؤال، اسم اشاره‌ای را می‌خواهد که اگر حذف شود، معنی جمله تغییری نکند.

هرگاه اسمی به صورت نکره باید و در ادامه، همان اسم دویاره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را به صورت اسم اشاره («این» یا «آن») ترجمه کرد.

در گزینه «۳»، «طائراً» اسم نکره است و همین اسم در ادامه با «ال» تکرار شده است، پس حتی اگر «هذا» حذف شود، «الطائراً» همچنان به همان صورت «این پرنده» ترجمه می‌شود.

(قواعد اسم)



تاریخ و جغرافیا (۱)

(میلاد هوشیار)

گزینه «۲»

پژوهشگر در مرحله شناسایی منابع، پس از شناسایی منابع و استناد تحقیق، میزان اعتبار، دقت و صحت آن‌ها را ارزیابی می‌کند؛ مثلاً اگر محققی از استناد استفاده کند، باید از اصالت سند و جعلی نبودن آن مطمئن شود.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۶)

(میلاد باغ‌شیفی)

گزینه «۳»

جاده‌ای که در قرون جدید به عنوان جاده ابریشم شهرت یافته و چین را از طریق ایران به اروپا متصل می‌کرد، در دوره هان گشایش یافت.

(تاریخ (۱)، پهان در عصر باستان، صفحه ۴۸)

(ملیمه گربه)

گزینه «۱»

با گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در دوره قاجاریه، اروپایان بیشتری به عنوان جهانگرد، بازرگان، سفیر، باستان‌شناس و ... به کشور ایران آمدند و روزبه‌روز بر تعداد بازدیدکنندگان خارجی از آثار و مکان‌های تاریخی افزوده شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۴)

(میلاد باغ‌شیفی)

گزینه «۲»

خسروانو شیروان برای سامان بخشیدن به اوضاع کشور، اصلاحاتی را در زمینه اداری، نظامی و اقتصادی انجام داد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۵)

(میلاد هوشیار)

گزینه «۳»

مصالح ساختمانی در دوره اشکانی بیشتر شامل خشت، آجر، سنگ نتراشیده و تراشیده است. ساخت بهای طاق‌دار، گنبدی و دارای ایوان، از ویژگی‌های معماری دوران اشکانیان به شمار می‌رود. هنر گچ‌بری در زمان اشکانیان رواج یافت و در بنای‌های کوه خواجه، به نهایت ظرافت رسید. آرایه دیگری که در معماری اشکانی رواج داشته، نقاشی دیواری است.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۶۸)

(فاطمه سقایی)

گزینه «۲»

چگونگی شکل‌گیری محیط‌های جغرافیایی، که حاصل روابط متقابل انسان و محیط است، سبب می‌شود جغرافی دانان با دید ترکیبی یا کل‌نگری، موضوعات را مطالعه و بررسی کنند.

(جغرافیای ایران، جغرافیا پیشست، صفحه ۷)

(علیرضا رضایی)

گزینه «۲»

پدیده «الف» مربوط به منطقه کوهستانی البرز و پدیده «د» مربوط به کوه‌های شمال خراسان هستند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۲۳۵ و ۲۳۶)

(پیروز وجان)

گزینه «۳»

موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: خمسون ← خمسون (حرکت نون در اعداد عقود (مضارب ۵۵)، مثل جمع مذکور سالم، فتحه است)

گزینه «۲»: مشاهده ← مشاهده (مصدر باب مفعا، بر وزن «مُفَاعِلَة» و با علامت فتحه روی عین الفعل می‌آید)

گزینه «۴»: هؤلاء ← هؤلاء (کلمه‌ای مبني است و حرکت آخر آن تغيير نمی‌کند)

المُستَقِبِل ← المُستَقِبِل (اسم مفعول است و با علامت فتحه روی عین الفعل صحیح است)

(ضبط هرکات)

گزینه «۱»

(رویشعلی ابراهیمی)

برای تبدیل جمله داده شده به ساختار مجھول، زمان فعل (ماضی استمراری) به حال خود باقی می‌ماند (رد گزینه ۳) و فقط «الإنسان» که انجام‌دهنده کار است از جمله حذف می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴). «النفط» هم در نقش نائب فعل در جمله می‌نشیند.

(قواعد فعل)

گزینه «۲»

(پیروز میربرکی)

«اثنين» اسم «لعل» و «ينجحان: موفق شوند» فعلی لازم است، پس مفعول نمی‌گیرد.

دقت کنید مفعول قبل از فعل نمی‌آید، مگر در مواردی مانند «إِيَاك، إِيَاكِم، إِيَاكِمْ و ...»

تشريح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ضمیر «ه» در «قيده» آن را به بند آورید» مفعول است. دقیقت کنید ضمیرهای متصل «ه، هما، هم، ...، ن» به فعل متعدی می‌چسبند و نقش مفعول را دارند.

گزینه «۳»: «الشباب» مفعول فعل «تَفَيَّدَ» سود می‌رساند» است.

گزینه «۴»: «طريق» مفعول فعل «أَوَّلَهُ» ادامه می‌دهم» است.

(قواعد اسم)

گزینه «۴»

(علی محسن زاده)

حرف «ن» در فعل «تسکنی» از حروف اصلی فعل است. (ريشه فعل «سكن» است) همچنین در واژه «إخوانی»، حرف «ن» بخشی از خود اسم است و نون وقايه نیست.

در سایر گزینه‌ها، نون در «لم يساعدني، دعاني و ظلموني» از نوع وقايه است.

(قواعد فعل)



(میلاد هوشیار)

مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول، آغازگر چهار دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بود که تا زمان قدرت‌گیری تیمور ادامه یافت. در این دوره، علاوه بر خانزادگانی از خاندان چنگیز و سرداران مغول که بر سر کسب قدرت رقابت و درگیری داشتند، چندین حکومت محلی غیرمغولی نیز در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند. حکومت‌های شیعه سربداران و سادات مرعشی مازندران و سلسله آل مظفر از جمله آن‌ها بودند.

(تاریخ (۳)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۶)

(میلاد باغ‌شیفی)

شاه عباس اول در جهت مقابله با دشمنان خارجی، نخست با دولت عثمانی صلح کرد و به خراسان لشکر کشید و با وارد آوردن ضربه‌ای سنگین بر ازبکان، آنان را عاقب راند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۶)

(فاطمه سقایی)

محدودیت‌ها و موانع محیطی موجب می‌شود انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن چاره‌اندیشی کنند و به ابداع ابزارهایی بپردازنند. در واقع، هر ناحیه شرایط خاصی را به انسان‌ها ارائه می‌کند و انسان‌ها در چارچوب آن شرایط دست به عمل می‌زنند.

(جهraphia (۲)، ناحیه پیست، صفحه ۱۱۲)

(فاطمه سقایی)

در نواحی دارای ماسه‌های ریز، و بهویژه فاقد پوشش گیاهی، باد درات را از محل خود جایه‌جا می‌کند و به تدریج حفره‌ها یا چاله‌هایی وسیع پدید می‌آورد.

(جهraphia (۲)، نواحی طبیعی، صفحه ۱۴۷)

(آزاده میرزاچی)

هرچه ارتفاع افزایش یابد، تعداد گونه‌ها، قدیا بلندی گیاهان، انبوی و درجه رشد گیاهان و همچنین فصل رویش آن‌ها کمتر و کوتاه‌تر می‌شود.

(جهraphia (۲)، نواحی طبیعی، صفحه ۱۵۷)

(فاطمه سقایی)

صنعت از فعالیت‌های نوع دوم محسوب می‌شود. سایر گزینه‌ها، از فعالیت‌های نوع اول است.

(جهraphia (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۸۰)

(فاطمه سقایی)

برخورداری از آب و هوا نقش مهمی در کشاورزی، تولید غذا و سایر فعالیت‌های اقتصادی و زندگی دارد. معمولاً امکان تبدیل کشورهایی که در منطقه معتمد واقع شده‌اند، به قدرت‌های سیاسی منطقه‌ای یا جهانی، بیشتر است.

(جهraphia (۳)، نواحی سیاسی، صفحه ۱۵۱)

(علیرضا رضایی)

اگر کانون‌های آبگیر در فصول سرد سال، ذخیره برف خود را تا ابتدای ماههای گرم سال حفظ کند، بدون توجه به میزان بارش و زمان آن، از کانون‌های فصلی به شمار می‌روند.

رودهایی که از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می‌شوند دائمی هستند؛ اگر این رودها در نواحی مرطوب، جریان یابند آب آن‌ها بیشتر خواهد بود.

(جهraphia ایران، پهراهای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۳۹)

(علیرضا رضایی)

روستاهای متمرک تحت تأثیر پدیده‌های اطراف خود هستند. هر دو روستایی که در صورت سؤال به آن‌ها اشاره شده است، متمرک‌ند. روستاهایی که در دامنه یک کوهستان قرار دارند، پلکانی‌اند و روستایی که در امتداد یک جاده شکل می‌گیرد، خطی است.

(جهraphia ایران، پهراهای انسانی ایران، صفحه ۱۸۲)

(فاطمه سقایی)

عدم تعادل در پراکندگی قطب‌های صنعتی در سطح کشور نشان می‌دهد که به توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی ایران به طور کامل توجه نشده است.

(جهraphia ایران، پهراهای انسانی ایران، صفحه ۹۵)

«۴- گزینه «۴»

«۵- گزینه «۴»

(علی محمد کریمی)

مورخ در روش تاریخ‌نگاری ترکیبی، به جای ذکر همه روایات درباره یک موضوع، با مطالعه و مطابقت دادن همه روایتها، یک گزارش از مجموع آن‌ها تنظیم می‌کند. مورخ در این روش ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم او دور بماند.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۱۷)

«۵- گزینه «۲»

رسول خدا (ص) در سال نخست هجرت، تصمیم به تشکیل نیروی نظامی علیه دشمنان اسلام گرفت. در اواخر همان سال، مسلمانان چندین عملیات نظامی و اطلاعاتی محدود در خارج از مدینه انجام دادند. یکی از اهداف این عملیات، تهدید مسیر تجارت مشرکان مکه به شام و کسب غنیمت بود؛ زیرا آنان اموال مهاجران مسلمان را تصرف و غارت کرده بودند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، هرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۷)

«۶- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)

فرمانروایان غزنوی به خوبی دریافته بودند که برای اداره قلمرو رو به توسعه خود به تشکیلات دیوانی و دیوان‌سالاران ایرانی نیاز دارند. از همین رو بسیاری از دیوان‌سالاران حکومت سامانی و حتی برخی از دیوان‌سالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۰۵)



(سپا پعفرزاده صابری)

در نقد استدلال تمثیلی با توجه به وجود اختلاف نقاط، افتراق دو مورد جزئی را بیاد آور می‌شویم. جمله ذکر شده به تفاوت بین کتاب و مواد غذایی اشاره کرده است.

۱۶۵- گزینه «۴»

تشریف گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: استقراری تمثیلی می‌باشد.

گزینه «۲»: در استدلال تمثیلی حکم یک مورد جزئی را به صرف شباهت به مورد جزئی دیگر تعمیم می‌دهیم.
گزینه «۳»: در استقرار (تعمیمی - تمثیلی) حمایت نتیجه از مقدمات، نسبی است نه مطلق.

(منطق، اقسام استدلال استقراری، صفحه‌های ۱۴۷ و ۱۴۸)

(سپا پعفرزاده صابری)

در عبارت گزینه «۳» موضوع جمله، ضمیر (من) می‌باشد که مفهومی جزئی و در نتیجه قضیه شخصیه است.

۱۶۶- گزینه «۳»

علت رد سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: در واقع عبارت را به صورت هر کس که در او مردمی (انسانیت) وجود ندارد، مرد (انسان) نیست؛ می‌توان مرتب کرد که در اینجا مرد اشاره به یک فرد مشخص و معین ندارد، پس در نتیجه قضیه محصوره است.
گزینه «۲»: سنتگدل مفهومی جزئی نیست و قضیه محصوره است. (فقط افراد سنتگدل عهد من را می‌شکنند).
گزینه «۴»: دانش آموز این کلاس مفهومی جزئی نیست؛ پس قضیه محصوره است.

(منطق، قضیه های عملی، صفحه ۵۸)

(حسن صدری)

۱۶۷- گزینه «۴»

عکس مستوی: سالبه جزئیه عکس مستوی لازم الصدق ندارد.
نقیض متداخل: ابتدا متداخل آن را می‌نویسیم و سپس نقیض قضیه به دست آمده را به دست می‌آوریم.
متداخل: هیچ کتابی مفید نیست. / نقیض متداخل: بعضی کتاب‌ها مفید هستند.
متداخل نقیض: ابتدا نقیض آن را می‌نویسیم و سپس متداخل قضیه به دست آمده را به دست می‌آوریم.
نقیض: هر کتابی مفید است / متداخل نقیض: بعضی کتاب‌ها مفید هستند.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۴۳ و ۶۴۵ تا ۶۴۶)

(نیما بواهری)

۱۶۸- گزینه «۱»

سؤال ابتدا ذکر کرده است که عکس مستوی متداخل قضیه‌ای «بعضی الف ب است» می‌باشد، می‌دانیم که «بعضی الف ب» است می‌تواند عکس مستوی دو قضیه «هر ب الف است» یا «بعضی ب الف است» باشد که متداخل آن‌ها هم به ترتیب می‌شود «بعضی ب الف است» و «هر ب الف است». ممکن است ندانیم قضیه اصل کدامیک از این دو است ولی دقت کنید که در ادامه صورت سؤال می‌گوید «بین متضاد آن ...» پس قضیه اصل حتماً «هر ب الف است» است که متضاد آن می‌شود «هیچ ب الف نیست» (چون قضایای جزئی متضاد ندارند). پس ما فعلاً قضیه «هیچ ب الف نیست» را داریم. و سپس خواسته نسبت این قضیه را با عکس مستوی متداخل تحت تضاد قضیه «بعضی الف ب نیست» به دست بیاوریم. متداخل تحت تضاد این قضیه می‌شود «بعضی الف ب است» و عکس این قضیه می‌شود «بعضی ب الف است» که بین آن با قضیه «هیچ ب الف نیست» که داشتیم نسبت تناقض برقرار است.

(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۴۳ تا ۶۴۵)

منطق

۱۶۱- گزینه «۱»

همان‌گونه که علم پزشکی انواع بیماری‌ها و روش‌های پیشگیری و درمان آن‌ها را بیان می‌کنند، علم منطق نیز به همراه بیان قوانین حاکم بر ذهن، روش‌های جلوگیری از مغالطات را بیان می‌کنند. جلوگیری از بیماری‌ها در پزشکی و جلوگیری از مغالطات در منطق هدف این دو علم است.
منطق از یک جهت دیگر به سیستم‌های کنترلی خودرو یا شاقول بنایی تشیبیه می‌شود. وجه تشیبیه در اینجا ابرازی بودن منطق است. منظور از ابرازی بودن این است که منطق باعث پیشبرد محتوای علوم نمی‌شود بلکه صرفاً ابرازی است که برای پردازش علوم و رسیدن به شناخت‌های درست استفاده می‌کنیم.
(منطق، منطق، ترازوی انریشه، صفحه‌های ۴ و ۵)

۱۶۲- گزینه «۲»

فقط در گزینه «۲» احتمال بروز مغالطة نگارشی وجود دارد. با این توضیح که ویرگول اگر بعد از گم شده و یا بعد از مادرش قرار بگیرد معنی عبارت تغییر می‌کند.
در گزینه «۴»، دسته گل به آب دادن هر چند می‌تواند کنایه باشد، اما جمله بعد از آن، ما را متوجه معنای اصلی عبارت می‌کند؛ پس مغالطة نیست.
(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۸)

۱۶۳- گزینه «۳»

کلمه «حافظ» در گزینه «۳» را می‌توان به دو معنی، معنا کرد. اول به معنای حافظ (غزل‌سرای قرن هشتم) که یک اسم خاص و در نتیجه مفهومی جزئی است، و دوم در معنی «کسی که قرآن را حفظ است» که یک مفهوم کلی می‌باشد. بنابراین این کلمه را بنابر معانی متفاوت آن، می‌توان هم کلی و هم جزئی در نظر گرفت و بستگی دارد که به کدام معنی آن توجه کنیم.
بررسی سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: همه مفاهیم مطرح شده در این بیت کلی هستند به جز «سعده» که اسم خاص یک نفر است.
گزینه «۲»: همه مفاهیم این بیت کلی هستند.

گزینه «۴»: همه مفاهیم مطرح شده در این بیت کلی هستند به جز عبارت «این جهان» که به خاطر اختصاص یافتن ضمیر اشاره «این» یک مفهوم جزئی محسوب می‌شود.
(منطق، مفهوم و مبداء، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

(نیما بواهری)

۱۶۴- گزینه «۴»

جسم» از اقسام «جوهر» یا «موجود» است نه از اقسام «کیفیت» یا «ویژگی». بنابراین تعریف ارائه شده بی‌ربط است و بین مصاديق مجھول و مصاديقی که تعریف‌مان پوشش می‌دهد، نسبت تباین برقرار است.
تله: دقت کنید که یک تعریف بی‌ربط نه جامع است نه مانع؛ اما نمی‌توان گفت هم اعم است هم اخص. چنین حرفي بی‌معنا و متناقض است. چطور ممکن است تعریفی که هیچ مصاديقی از مجھول را در برنمی‌گیرد، بگوییم نسبت به آن هم عامتر است هم خاص‌تر. درست این است که بگوییم تعریف بی‌ربط نه اعم است نه اخص. (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۳)
(منطق، ترکیب، صفحه‌های ۲۲، ۲۳ و ۳۵)



گزینه‌های «۳» و «۴»: مباحث و مسائل مطرح شده در سایر علوم نیز می‌توانند عمیق و بنیادی باشند. این امر مختص دانش فلسفه نیست. بهتر است بگوییم «عمیق‌ترین» و «بنیادی‌ترین» مباحث و مسائل در فلسفه بررسی می‌شوند.

(فلسفه یازدهم، پیش‌تی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۰)

(سیا پیغمبر احمدی)

عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند؛ درباره خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج. فرق فلسفه با مردمان دیگر این است که اولاً فلسفه درباره همین مسائل به نحو جدی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص. دقت کنید که همه مردم درباره مسائل فلسفی می‌اندیشند و نظر و عقیده‌ای در باب آن دارند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۳)

(نیما بواهری)

خود حقیقی انسان نفس و روح اوست. در فلسفه لاتوتسه انسان و جهان از هم گستاخ و تباینی ندارد و مقابله هم نیستند، بلکه وحدتی حقیقی دارند. تأثیر حقیقی است که در همه چیز متجانس است و هرگونه نظم و قانون و ذاتی بر آن متکی است و واسطه ظهور آن است و تأثیر در آن متجانس می‌شود.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۰)

(حسن صدری)

حق جلوه دادن باطل و آموختن آن به دیگران، از جمله افتراهایی بود که خود سقراط از زبان خودش بیان کرد و بیان آن را به ملت‌وس و دیگران نسبت داد، نه اینکه خود ملت‌وس صراحتاً این اتهام را به سقراط وارد کرده باشد.

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

(نیما بواهری)

سوفیست‌ها که به علت استفاده از مغالطه‌های مختلف در گفت‌وگوها و در محاکم قضایی هر باطنی را حق جلوه می‌دادند، به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۴۷)

(حسن صدری)

هم در شناخت عقلی و هم در شناخت شهودی، ما اموری را در کمی کنیم که امکان درک تجربی آن‌ها وجود ندارد (وجه اشتراک). اما شناخت عقلی نیازمند استدلال‌آوری است، در مقابل شناخت قلبی و شهودی که بی‌واسطه است، نیازمند استدلال نیست (وجه اختلاف).

نیازمندی به تهدیب نفس تنها ویژگی شناخت شهودی است (رد گزینه‌های ۳ و ۴). تدریجی بودن کسب شناخت نیز ویژگی هر دوی این شناخت‌ها است، نه وجه تمایز آن‌ها (رد گزینه ۱).

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۵ تا ۵۶)

(نیما بواهری)

حد وسط در یک مقدمه «علت» و در مقدمه دیگر «علت رشد گیاه» است و در دو مقدمه یکسان تکرار نشده است. در واقع مقدمه دوم را به صورت «آب علت رشد گیاه است» مرتب می‌کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در این قیاس مغالطه در ماده داریم و اشکال آن این است که «هر علتی جوب‌بخشنیست. علت ناقصه این‌گونه نیست.» نه این‌که واژه علت دو معنای لفظی متفاوت داشته باشد.

گزینه «۳»: این قیاس شکل اول است، نه چهارم برای تشخیص ترتیب مقدمات قیاس صرفاً نگاه نکنید که کدام اول آمده است و کدام دوم. بلکه به نتیجه قیاس نگاه کنید. مقدمه اول قضیه‌ای است که موضوع نتیجه از آن گرفته می‌شود و مقدمه دوم قضیه‌ای است که محمول نتیجه از آن گرفته می‌شود.

گزینه «۴»: مقدمه دوم قیاس بدین صورت است که «هر علتی ...» بنابراین حد وسط (علت) در آن علامت مثبت دارد.

(منطق، قیاس اعتبرانی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

گزینه «۲»

حد وسط در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم موضوع است پس قیاس اعتبرانی شکل اول ساخته می‌شود. حال باید طبق معلوماتی که از کتاب درسی یاد گرفته‌ایم، نتیجه‌های احتمالی قیاس را بنویسیم و بررسی کنیم. ببینیم که آیا نتیجه معتبری وجود دارد یا قیاس نامعتبر است.

هنگامی که یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه سالبه است. پس نتیجه سالبه است و نمی‌تواند موجبه باشد. (رد گزینه ۳). پس برای نتیجه دو حالت ممکن است. حد وسط را حذف می‌کنیم و با آوردن بخش باقی‌مانده از مقدمه اول در جایگاه موضوع نتیجه و آوردن بخش باقی‌مانده از مقدمه دوم در جایگاه محمول نتیجه، این دو حالت نتیجه را می‌نویسیم و بررسی می‌کنیم:

«بعضی الف ج نیست.» «ج» علامت مثبت دارد در حالی که در مقدمات علامت منفی دارد. شرط سوم رعایت نشده و نامعتبر است.

«هر الف ج نیست.» «الف» و «ج» علامت مثبت دارند در حالی که در مقدمات علامت منفی دارند. شرط سوم رعایت نشده و نامعتبر است.

پس این قیاس در هر حالت نامعتبر است (رد گزینه ۱ و تأیید گزینه ۲) برای ساخت قیاس استثنایی باید یکی از مقدمات قضیه شرطی باشد. (رد گزینه ۴)

(منطق، ترکیب، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷ و ۹۰)

فلسفه یازدهم

گزینه «۲»

فلسفه درباره یک موجود خاص صحبت نمی‌کند، بلکه به اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد. یعنی موضوع فلسفه گستره‌دهترین موضوعات است و محدود به یک موضوع خاص در یک دانش خاص نمی‌شود. همین امر، وجه تمايز فلسفه از سایر دانش‌ها است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این امر، وجه اشتراک ریاضیات و فلسفه است و مختص فلسفه نیست.



منطق

(نیما پواهری)

گزینه «۲»

ممکن است تصورات سازنده یک تصدیق برای ما معلوم و شناخته شده باشند اما کل حکم و تصدیق برخاسته از آن ها برای ما مجھول باشد. برای مثال ما می دانیم «سبب» چیست، و می دانیم که «مفید برای پوست» چیست. اما ممکن است ندانیم «سبب برای پوست مفید است». در این حالت تصورات این تصدیق معلوم هستند اما تصدیق در مجموع مجھول است. اما این گونه نیست که تصورات سازنده یک تصدیق مجھول همیشه معلوم باشند، ممکن است تمام تصورات یا تعدادی از آن ها مجھول باشند.

(منطق، منطق، ترازوی اندیشه، صفحه های ۷ تا ۹)

(علیرضا نصیری)

گزینه «۱»

بررسی گزینه ها:

گزینه «۱»: در این گزینه ابهام در مرجع ضمیر موجود است؛ «علی معلمش را دید در حالی که خودش متعجب بود» و «علی معلمش را دید در حالی که معلم متعجب بود.» همچنین امکان وقوع مغالطة نگارشی نیز وجود دارد. واژه سحر را می توان به شکل های «سحر» (به معنی صحیح زدن) و «سحر» (به معنی جادو) خواند.

گزینه «۲»: در این گزینه فقط امکان مغالطة نگارشی وجود دارد. با جابه جایی ویرگول از این جمله دو معنی می توان برداشت کرد؛ «قاضی برای بررسی پرونده جرم اتفاق افتاده در تهران، به دادگاه رفت.» و «قاضی برای بررسی پرونده جرم اتفاق افتاده، در تهران به دادگاه رفت.»

گزینه «۳»: در این گزینه فقط امکان وقوع مغالطة نگارشی وجود دارد. واژه برنده را می توان به دو صورت «برنده» و «برنده» خواند.

گزینه «۴»: در این گزینه فقط امکان وقوع مغالطة ابهام در مرجع ضمیر موجود است. از این جمله دو معنی می توان برداشت کرد. «شهاب از ماشین خودش پیاده شد تا با بیژن احوال پرسی کند» و «شهاب از ماشین بیژن پیاده شد تا با بیژن احوال پرسی کند.»

(منطق، لغظ و معنا، صفحه های ۱۶ و ۱۷)

(فرهار قاسمی نژاد)

گزینه «۴»

هیچ قرمزی بدون ابعاد نیست، هیچ بدون ابعادی قرمز نیست. توجه داشته باشیم فقط اجسام دارای ابعاد (طول، عرض و ارتفاع) هستند که می توانند رنگ پذیر باشند.

(منطق، مفهوم و مبداق، صفحه های ۲۱ تا ۲۳)

(علیرضا نصیری)

گزینه «۲»

هرگاه تعریف اعم از مفهوم مجھول باشد یعنی مانع نیست و شامل مصاديقی می شود که در میان مصاديق مفهوم مجھول وجود ندارد.

بررسی موارد:

مورد اول: این تعریف مانع نیست و شامل برخی دیگر از چهار بیان مانند گاو نیز می شود. بنابراین تعریف اعم از معرف است.

مورد دوم: این تعریف جامع نیست چون شامل جیوه که مایع است نمی شود و بنابراین تعریف اخص از معرف است.

(نیما پواهری)

گزینه «۲»

گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد، اما می مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد. یکی از این اشکالات، محدودیت های روش تجربی بود که نمی توانست پاسخ گویی سوال های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عواملی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. همچنین ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ فلسفه معرفت، صفحه ۶۶)

گزینه «۳»

(سیا به غفرزاده صابری)

دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. (نقطه اشتراک نظر با فلاسفه ماتریالیست)

اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر وی «من»، همان روح یا نفس است که مرکز اندیشه های ماست. این روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند. (نقطه تفاوت نظر با فلاسفه ماتریالیست)

(فلسفه یازدهم، پیش‌تی انسان (۱)، صفحه های ۷۳ تا ۷۵)

گزینه «۲»

(سیا به غفرزاده صابری)

هبوط در واقع نزول روح از عالم نورانی و بی حد و مرز مجرّدات به عالم مادی و تعلقات دنیوی است. حکمت هبوط، پنهان کردن جان که گوهری گرانبهاست در گل بدن است. از منظر فلاسفه مسلمان نیز روح هدیه ای الهی و غیرزمینی است که در بدن قرار گرفته است.

(فلسفه یازدهم، پیش‌تی انسان (۲)، صفحه ۷۸)

گزینه «۳»

(سیا به غفرزاده صابری)

این معیار (حسن بودن اعتدال) امری هست که عقل هر انسانی آن را می پذیرد و اختصاص به فلاسفه ندارد.

علت رد سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: رسیدن به اعتدال معیار فعل اخلاقی است نه هدف نهایی آن. علاوه بر این بعد از رسیدن به اعتدال انسان به سعادت می رسد و همین رسیدن به سعادت هدف غایی از انجام فعل اخلاقی است.

گزینه «۲»: مطابق دیدگاه افلاطون علاوه بر این سه مورد بایستی عدالت نیز وجود داشته باشد تا به سعادت رسید.

گزینه «۴»: حالت افراط و تفریط قوا مربوط به دیدگاه ارسطو می باشد نه افلاطون.

(فلسفه یازدهم، انسان، موجوی افلاطون، صفحه های ۸۶ و ۸۷)



(مسن صدری)

اگر نقیض یک قضیه «بعضی الف ب نیست» باشد، پس خود قضیه «هر الف ب است» خواهد بود. همچنین چون نقیض این قضیه صادق است، خود این قضیه کاذب خواهد بود.

حال به ترتیب بررسی می‌کنیم:
متضاد: در تضاد از کذب به چیزی نمی‌رسیم، پس متضاد آن نامشخص خواهد بود.

عکس مستوی: در عکس مستوی تنها از صدق به صدق می‌رسیم، نه از کذب. پس نامشخص است.

متداخل: از کذب کلی نمی‌توان به صدق یا کذب متداخل آن رسید.
(منطق، اکام قضايا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۸)

(نیما پواهری)

منفی‌بودن عالمت موضوع و محمول زمانی است که قضیه ما «وجبة جزئی» باشد. پس قیاسی را باید انتخاب کنیم که نتیجه وجبة جزئی خواهد داشت.

تکثیف‌سته: هنگامی که یکی از مقدمات قیاس ما سالبه باشد پس نتیجه هم در صورت اعتبار قیاس حتماً دارای نسبت سالبه خواهد بود. (بنابراین گزینه‌های ۱ و ۳ رد می‌شوند)

تکثیف‌سته: قیاس معتبر با دو مقدمه جزئیه نداریم. (بنابراین گزینه ۲ رد می‌شود)

(منطق، قیاس اقتضانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

(علیرضا نصیری)

شرط دوم اعتبار قیاس این است که حد وسط نباید در هر دو مقدمه عالمت منفی داشته باشد. با توجه به این موضوع باید بررسی کنیم و بینیم که کدام گزینه این شرط را نقض خواهد کرد.

«ب» هم در قضیه مطرح شده در صورت سؤال ذکر شده و هم در تمام قضیه‌های ذکر شده در گزینه‌ها، بنابراین حد وسط می‌باشد. عالمت «ب» در مقدمه دوم که در صورت سؤال ذکر شده منفی است، بنابراین برای نقض شدن شرط دوم کافی است که «ب» در قضیه مطرح شده در گزینه‌ها نیز عالمت منفی داشته باشد.

در گزینه «۲»، قضیه موجبه است و «ب» محمول می‌باشد؛ بنابراین عالمت آن منفی است و شرط دوم را نقض خواهد کرد. همچنین با قرار گرفتن در کنار قضیه صورت سؤال، یک قیاس شکل اول خواهد ساخت.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: با توجه به قرارگیری حد وسط، این قضیه به همراه قضیه مطرح شده در صورت سؤال، یک قیاس شکل سوم خواهد ساخت. اما در صورت سؤال ذکر شده که این قیاس یک قیاس شکل اول است، بنابراین این گزینه نمی‌تواند جواب باشد هر چند که شرط دوم را نقض می‌کند.

گزینه «۳»: این قضیه کلی است و «ب» موضوع واقع شده؛ بنابراین عالمت آن مثبت است و شرط دوم نقض نمی‌شود.

گزینه «۴»: در این قضیه هرچند که «ب» در جایگاه محمول قرار گرفته است، اما چون سالبه است عالمت آن مثبت است.

(منطق، قیاس اقتضانی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

گزینه «۴»:

مورد سوم: این تعریف هم جامع است و هم مانع. بنابراین رابطه تعریف و معرف تساوی است.

مورد چهارم: این تعریف مانع نیست چون شامل انواع لوزی‌ها نیز می‌شود و بنابراین تعریف اعم از معرف است.

مورد پنجم: این تعریف مانع نیست و شامل برخی دیگر از اجرام آسمانی و سیاره‌های نورانی می‌شود. بنابراین تعریف اعم از معرف است.

مجموعاً در سه عبارت از عبارات بالا، تعریف اعم از معرف می‌باشد.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳ و ۳۴ تا ۳۶)

گزینه «۳»:

در استقرای تعمیمی هر چقدر تعداد نمونه‌های بررسی شده (نه جامعه آماری) بیشتر باشد، استقرا قوی تر خواهد بود.

(منطق، اقسام استدلال استقرایی، صفحه ۴۷)

گزینه «۲»:

همه قضایای صورت سؤال حملی هستند و موجبه قضیه اول را می‌توان با سور «هر» استفاده کرد و بنابراین قضیه محصوره است. قضیه دوم به یک سفارت مشخص اشاره می‌کند و بنابراین یک قضیه شخصیه است چون از طرفی سورپذیر نیست و در ضمن موضوع آن یک مصدق مشخص است. قضیه مطرح شده در گزینه «۳» و همچنین گزینه «۴» نیز محصوره هستند و با گزینه «۲» تفاوت دارند. بنابراین قضیه گزینه «۲» با سایرین متفاوت است.

(منطق، قضیه عملی، صفحه ۵۱)

گزینه «۱»:**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: نقیض «هیچ ب الف نیست» قضیه «بعضی ب الف است» خواهد بود. این قضیه، عکس مستوی قضیه مطرح شده در صورت سؤال است و بنابراین اگر قضیه صورت سؤال صادق باشد، این قضیه نیز صادق خواهد بود. گزینه «۲»: نقیض «بعضی الف ب نیست» قضیه «هر الف ب است» است. از صدق «بعضی الف ب است» نمی‌توان صدق «هر الف ب است» را نتیجه گرفت، بنابراین این گزینه رد خواهد شد.

گزینه «۳»: نقیض «بعضی ب الف نیست» قضیه «هر ب الف است» است. از صدق قضیه «بعضی الف ب است» می‌توان صدق عکس مستوی آن، یعنی «بعضی ب الف است» را نتیجه گرفت اما نمی‌توان صدق «هر ب الف است» را نتیجه گرفت. این گزینه را نیز رد می‌کنیم.

گزینه «۴»: نقیض «هر الف ب است» قضیه «بعضی الف ب نیست» خواهد بود. از صدق بودن قضیه «بعضی الف ب است» نمی‌توان صدق «بعضی الف ب نیست» را نتیجه گرفت و بنابراین این گزینه نیز رد می‌شود.

(منطق، اکام قضايا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

تلایش در مسیر معرفت پیش



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی